

تحریر شد
۱۴۲۹

۱۴۲۹
۵۱۷۵

۲
استاره از برادران مؤمن نیز مطلوب جنبه بعد از این استاره آن
خواهر است اما مقصود اصلی در این مقام طلب خیر از جناب مقدس الهی است
در جهان آن بحسب عقل و نقل معلوم است چه ظاهر است که صانع عالم
بصلاح دنیا و عقبای بن آدم از هر کس انا تر است و بالطف و کرم نامتناهی
الهیته در آنهم بی نیازی از جمیع خلق و قدرت بر جمیع امور ممکنه در آنچه صلاح
بنده گان در آنست ضمنت و بخل غنیاید مخصوصا و قتر که بنده امور خود را
با و گذارد و از او صلاح خود را طلب نماید و ایسی باید که بنده خیر خود را
در جمیع امور از پروردگار خود طلب نماید و مصلحت خود را ملطف
او گذارد و ایضا معلوم است که مقتضای بندگی و کمال تبتعبودت
آنست که مرادات و ارادات خود را تابع ارادات حق گرداند و مقتضای
ومات شاوین الا ان شاء الله عز و جل خود خالی گردد و خواستش خدا
خداوند خود را بر خواهش خود مقدم دارد تا آنکه خداوند در جمیع او را بخند
نگذارد و در هر مسیور و محسور مدبر امور او گردد و مستجاب انجوائی و متن
بنوکل علی الله فهو حسبه حق تعالی کافی مرادات او باشد و این مرتبه
اعلای در جات مقربانست و بسنده های بسیار شیخ مفید و سید ابن طاووس
و دیگران از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که حق تعالی
میفرماید که از جمله تفاوت بنده من آنست که کارها کند و طلب خیر خود

از من نناید و سید و برقی بسند های معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده اند که هر که در احری بدون آبخاره داخل شود و ببلای مبتلا شود
خدا او را در آن بلاد حنسی و اجوی نهد و سید بسند معتبر از آن حضرت
روایت کرده است که میگفت که هرگاه در احری طلب خیر از حق تعالی
کرده یا شتم بر و اندازم که براحت افتد یا ببلای فرمود که پدرم مرا تعلیم
آبخاره می نمود خواجه سوره های قرآن مرا تعلیم می نمود و ابصار از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که ما آبخاره را یاد میکرد فتم
خواجه سوره های قرآن را می آموختم و ابصار بسند صحیح از آن حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که هیچ بنده طلب خیر از خداوند عالمیان نگردد
کردانیده است^م است مگر آنکه خیر او را برای او میسر میگردد آنکه هر چند او نخواهد و هیچ طریقی
بسند معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام روایت کرده است که چون حضرت
رسول صلی الله علیه و آله مرا بمس فرستاد مرا وصیت کرد که یا عیاضیران
میشود کسی که از خدا آبخاره کند و پنهان نمیشود کسی که با مردم مشورت کند
و بدانکه بعد از طلب خیر از حق تعالی باید که هر امر که رخ نماید آن را بفرمان
و بدانکه خیر او در آن بوده است که واقع شده است هر چند در نظر او
نماید و موافقی خواهش او نباشد و برقی در میان بسند معتبر از حضرت

صادق علیه السلام روایت کرده است که دشمن ترین خلق نزد خدا کسی است که
خدا را متهم دارد و او می گوید که کسی باشد که خدا را متهم دارد فرمود که بی
شک که طلب خیر از خداوند خود بکنند و بعد از آن امری که واقع شود بآن راضی
نباشند پس خدا را در خیر خواهر خود یاد آن تنی خیر او متهم داشته و سید این
طاووس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که خداوند عالم می فرماید
که هر که در حق قضای من باشد و شکر خمتها را من نکند و شکیبائی در بلدی من عمل
نیاورد پس برورد کار را بر بغیر من طلب کند و هر که بغیر من راضی باشد و بر غیری
من شکر کند و بر بلد من صبر کند بنویسم او را از جمله صدیقان نزد خود و حضرت
فرمود که هر کس طلب خیر کند از خدا در امری و یکی از دو امر برای او عمل آید
و در دلش چیزی بوده باشد بمنزله از عدم شنودن یا خیر نمودن آن امر پس خدا
را متهم داشته در قضای او و کلینی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که داناترین مردم بخدا کسی است که راضی تر باشد قضای او و بسند صحیح
دیگر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده است که صبر کردن و از
خدا را راضی نمودن سوطاعت و بندگی خدا است و هر که صبر کند در بلد و راضی باشد
از خدا در هر چه برای او حکم کند و مقدر گرداند خواه موافق خواهش او باشد خواه
نباشد پس خدا مقدر بنیک گرداند برای او مگر آنچه خیر او در آنست خواه دوست دارد

و خواه مکروه او باشد و بدانکه استخاره چند نوع است اول آنکه در هر امری که اراده
 نماید بجانب مقدس الترسوس مثل خیر خود را در آن امر از حق تعالی طلب نماید دوم
 آنکه بعد از آنکه طلب خیر از خدا بکند و بعد از آنکه در دل خود نظر کند و آنچه بخاطر
 او گرفته بآن عمل کند سیم آنکه بعد از طلب خیر مشورت کند با مؤمنی و یا غیر
 آن مؤمن میگوید عمل کنده چهارم آنکه استخاره بقرآن مجید یا تسبیح یا مینادق
 یا بوقاع بکند تفصیلی که مذکور خواهد شد و اکثر احادیث استخاره دلالت بر حکم
 اول میکند مفتاح اول در بیان نوع اول است اعترض استخاره مطلقه سید علی بن طاووس
 بسند صحیح روایت کرده است از ابن ابی عمیر که گفت سیدم از حضرت صادق
 علیه السلام که میفرمود در بیان کیفیت استخاره که تعظیم و تجید و حمد خدا میکنند و صلوات
 بر محمد و آل او میفرسای پس میگوید اللهم انی استسئلتک بالک عالم الغیب
والشهادة الرحمن الرحیم و انت علام الغیوب استسئلتک استسئلتک
 بیک حقیقت پس حضرت فرمود که اگر امر سختی باشد که بیم در آن داشته باشی
 صد مرتبه بگو و اگر امر آسانی باشد سه مرتبه بگو مولف گوید که ظاهر آنست
 که تکرار صد بار و سه بار در استخیراسم بر حتمت باشد و اگر از اول دعا بگوید
 بخواند سیدم باشد و اگر پیش از دعا بگوید استسئلتک باشد و اگر پیش از دعا
 بگوید لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله باشد العلی العظیم
 و دعا کیفیت انواع استخارات را ذکر کرده اند و شیخ مفید و سید ابن طاووس علیهما الرحمة طعن
 بسیار بر اینکار این ادسی رحمه الله نموده اند و حق آنست که چون احادیث در باب هر یک واقع
 شده انکار غیبت آن کرد اما عمده استخاره آنست که اول است که در این زمانها متروکست م
 و در این زمانها متروکست م

این استخاره را در هر امری که اراده نماید
 باید که در آن امر از حق تعالی طلب نماید
 و بعد از آنکه در دل خود نظر کند
 و آنچه بخاطر او گرفته بآن عمل کند
 یا با مؤمنی مشورت کند
 یا بقرآن مجید یا تسبیح یا مینادق
 یا بوقاع بکند
 تفصیلی که مذکور خواهد شد

بعضی از علما میمانند شیخ مفید و ابن ادریس که گفتی رضوان الله علیهم
 از استخاره غیر تسبیح اول تسبیح و تامل کرده اند و بگوید این ادسی که صحیح است
 و در این زمانها متروکست م

و بعد از آن آن دعا را بخوانند شاید بدنام شده و ایضا بنده های معتبر از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بگردد خیر خود را از
خدا بطلبد و او را خیر بدارد هر چه خدا از برای او میسر گرداند البته
حق تعالی آنچه خیر اوست برای او میسر گرداند و بنده معتبر دیگر روایت
کرده است که محمد طیار خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که بار سید ما
که شافرموده ای که هر که در امری صد مرتبه خیر خود را از خدا بطلبد
خدا خیر او را بنزد او بیاورد حضرت فرمود که اگر بگوییست خیر خود را
بطلب خدا خدا حاضر او را بخیر او برساند و باسانید صحیح روایت کرده است
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که طلب خیر در هر رکعت از رکعات
نافله نازیدین کردن خوب است مؤلف میگوید که شاید مراد طلبیدن
سجده باشد و در مکارم الاخلاق از حضرت صادق علیه السلام روایت و کتاب من لا یضره
کرده است که در استخاره باید که طلب خیر خود کند از خداوند عالمان
در سجده آخر نافله صبح صد و یک مرتبه باین نحو که بگوید اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ پس بجا هر مرتبه بگوید اَسْتَخِیْرُکَ خَیْرَکَ
پس باز حمد و صلوات را اعاده کند و بجا هر مرتبه بگوید اَسْتَخِیْرُکَ
اَسْتَخِیْرُکَ خَیْرَکَ و سید رضی رحمه الله این روایت را نقل کرده است و گفته است
که بعد از آن میگوید اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ خَیْرَکَ و یا اَسْتَخِیْرُکَ خَیْرَکَ و یا

وخواه سرور و باطن است و انما سبب و يا ارحم الراحمين صل على
محمد وآله و خیري في الامر الذي اردت و اگر تواند بربی حاجت خود را
ذکر کند و بازگوید لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله العلی العظیم
رب محرمه محمد و آله صل على محمد و آله و خیري في الامر الذي اردت
في الدنيا و الآخرة خیرة في عافیة و باز اگر تواند حاجت خود را ذکر کند
بجای فی الامر الذي اردت و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که هرگاه
اراده امری داشته باشی و در مکارم الاخلاق از حضرت امیر المومنین صلوات
الله علیه روایت کرده است در کیفیت استخاره که دو رکعت نماز میکند از
بعد از نماز صبح سه بار میگوید استغفر الله پس میگوید اللهم انی قد
عزمت باخر قد علمته فان كنت تعلم ان الله خیر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی فیرسله لی و ان كنت تعلم ان الله شر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی فاصرفه عني کرهت نفسي ذلك اتم احببت فانك
تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب پس عزم میکند بر امری که اراده کرده
است و ایضا روایت کرده است که مردی آمد نزد حضرت صادق
علیه السلام و گفت فدای تو شوم گاه هست که کاری را میکنم و بعد از آن شیطان
میگوید حضرت فرمود که چرا استخاره نمیکنی گفت فدای تو شوم چگونه استخاره
کنم فرمود که چون نماز صبح را کردی دست را بلند کن برابر روی خود

وَكُنْزُ اللَّهِ أَنْتَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَخُذْ لِي فِي جَمِيعِ مَا عَزَمْتُ بِهِ مِنَ النُّورِ خِيَارَ بَرَكَاتِهِ وَعَافِيَةِ
 وَأَيْضًا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که چون حضرت
 علی بن حسین صلوات الله علیه اراده حجی یا عمره یا بنده آزاد کردنی
 یا خریدنی یا فروختنی میکرد و بعد از فاتحه سوره الرحمن و در دویم سوره حشر
 میکرد و در رکعت اول بعد از فاتحه سوره الرحمن و در دویم سوره حشر
 میخواند و بعد از نماز دو بیت مرتبه طلب خیر از خدا میکرد یعنی میگفت
 اسْتَخِيرُ اللَّهَ يَا اسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرٌ لِي فِي عَافِيَةِ رَيْسِ سُوْرَةِ قُلْ
 هُوَ اسْمٌ وَقُلْ اَلْعُذُّ بِرَبِّ السَّمَاوَاتِ سُبْحَانَكَ يَا اسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ
 اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ هَمَمْتُ بِأَمْرٍ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي
 وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَأَقِدهُ لِي وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ شَرٌّ لِي فِي دِينِي
 وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَأَصْرِفْهُ عَنِّي يَا اسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ
 وَإِنْ كَرِهْتَ أَوْ أَحَبْتَ ذَلِكَ نَفْسِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا اسْتَخِيرُ اللَّهَ
 اللَّهُ لَا هَوْلَ وَلَا نُوْةَ إِلَّا بِاسْمِهِ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ پس متوجه آن
 ابراهیم و عزم بر آن مینمود و سید ابن طاووس رضی الله عنه بسند صحیح
 از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه کسی مایل باشد
 بروردن کار خود خواهر طلب نماید باید که در آن روز بر شصت مکتبی

تصدق کند و هر مسکین را یک صاع کند بمهره بضاع حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 و چون سب شود در ثلث آخر سب غسل کند و جامه کند که پست ترین
 عیالش بپوشد بپوشد و بجوش زیر جامه تنگی بپندد پس دو رکعت نماز بجا
 آورد و چون در رکعت دوم سجده اول برود لا اله الا الله بگوید و خدا را
 بعظمت و بزرگواری یاد کند و در نیت که اگر بعد از ذکر سجده تسبیحات
 اربع و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بگوید خوب باشد پس گناهان
 خود را آنچ در خاطر داشته یاد کند و طلب مغفرت و آمرزش بکند و اگر تحمل
 بگوید اللهم اغفر لی ما تعلم من ذنوبی شاید بد نباشد پس فرمود که چون که
 سجده دوم بگذارد صد مرتبه بگوید اللهم انی استخیرک فی هر حاجت
 که دارد از خدا بطلبید و هر مرتبه که سجده رود لشک را از زانو دو رکعت
 و لشک را که زانو زمین برسد و عقب لشک را نیز میان ساقها و رانها داخل
 کند که مجموع زانو ها و قدماش بجا برسد و علی بن ابراهیم در تفسیر روایت
 کرده است از علی بن اسباط حضرت امام رضا علیه السلام که علی بن اسباط
 حیران بود در رفتن سفر حضرت که انوراء در یابروم یا از راه صحرا حضرت فرمود
 که برو مسجد در غیر وقت نماز واجب و دو رکعت نماز بجا آورد و بعد از آن

حضرت رسول صلی الله علیه و آله

و چون در رکعت دوم سجده اول برود لا اله الا الله بگوید و خدا را

و چون در رکعت دوم سجده اول برود لا اله الا الله بگوید و خدا را

و چون در رکعت دوم سجده اول برود لا اله الا الله بگوید و خدا را

در حدیث
صد و یک مرتبه بگو استخیر الله و بروایت حمیری صد مرتبه بگو و ایضا حمیری
سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که در بالای
سر حضرت امام حسین صلوات الله علیه سه مرتبه طلب خیر از خدا بگوید و تسبیح و تحمید و ثناء کند خدا را
البتة خدا خیر او را برای او میسر گرداند و یاد در دل او بیندازد و الحمد لله
گوید که اگر چنین بگوید لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله
اعلی العظیم و سبحان الله و الحمد لله رب العالمین و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم بعد عمل بحدیث کرده باشد پس صلوات
بفرستد و طلب خیر خود از خدا بکند و دعای که بعد از این مذکور میشود
بخواند حتماً در همین حدیث صحیح مذکور است که راوی گفت که شنیدم
از حضرت صادق علیه السلام که در دعای استخاره این دعا بخوانند
اللهم انی استلک بعلمک و استخیرک بعزتك و استلک
من فضلك العظیم و انت اعلم بعواقب الامور ان کان هذا
الاخر خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی فیسره لی و بارک
لی فیہ و ان کان شرا فاصرفه عني و افض لی الخیر و انت کان
و رخصنی برحمتی لا احب تعجیل ما اخرت و لا تأخیر ما عجلت

در حدیث

در حدیث
صد و یک مرتبه بگو استخیر الله و بروایت حمیری صد مرتبه بگو و ایضا حمیری
سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که در بالای
سر حضرت امام حسین صلوات الله علیه سه مرتبه طلب خیر از خدا بگوید و تسبیح و تحمید و ثناء کند خدا را
البتة خدا خیر او را برای او میسر گرداند و یاد در دل او بیندازد و الحمد لله
گوید که اگر چنین بگوید لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله
اعلی العظیم و سبحان الله و الحمد لله رب العالمین و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم بعد عمل بحدیث کرده باشد پس صلوات
بفرستد و طلب خیر خود از خدا بکند و دعای که بعد از این مذکور میشود
بخواند حتماً در همین حدیث صحیح مذکور است که راوی گفت که شنیدم
از حضرت صادق علیه السلام که در دعای استخاره این دعا بخوانند
اللهم انی استلک بعلمک و استخیرک بعزتك و استلک
من فضلك العظیم و انت اعلم بعواقب الامور ان کان هذا
الاخر خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی فیسره لی و بارک
لی فیہ و ان کان شرا فاصرفه عني و افض لی الخیر و انت کان
و رخصنی برحمتی لا احب تعجیل ما اخرت و لا تأخیر ما عجلت

و اعظم علیک و رض

در بعضی روایات
روایت شده است که
اندر در حدیثی
که در آنست که
شیخ را اختیار کرده

رَبِّنا عَزِّم لِي عَلَى رُغْدِي وَإِنْ كِرِهْتُ ذَلِكَ وَأَبْتَرُ نَفْسِي وَأَبْن
 بابويه و شيخ و ديگران رضا عنه بنده حسن از حضرت صادق عليه السلام
 روايت کرده اند که هرگاه يکي از شما اراده کاري بکند پس دو رکعت نماز
 بکند پس حمد خدا را و ثنا گويد بر او و صلوات فرستد بر محمد و آل او
 و بگويد اَللّهُمَّ اِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ فَتَسِّرْهُ
 لِي وَ قَدِّرْهُ لِي وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي رَاوِي پرسيد که
 چه سوره در اين دو رکعت بخوانم فرمود که هر سوره که خواهی و اگر خواهی قل
 هو الله احد و قل يا ايها الکافرون بخوان و قل هو الله احد در ثواب
 برابر است با ثلث قرآن و اينضا بن بابويه روايت کرده است که
 محمد بن خالد قسري از حضرت صادق عليه السلام سوال کرد از طريق اخلاص
 فرمود که در آخر رکعتهاي نماز سب در سجده صد و يک مرتبه بگو استخیر الله
 بر ختمت و روايت ديگر فرمود که و بسند ديگر معتبر ديگر روايت کرده است
 که هرگاه حضرت صادق عليه السلام اراده مي فرمودند که فلان را چهار بار بخوانند
 يا امرأ سانی يا حاجت سگی و نهند بر آي آن هفت مرتبه طلب خير از
 حق تعالى ميگردند و اگر امر عظيم اراده ميکردند صد مرتبه طلب خير ميکردند
 و اقلش استخیر الله بر ختمت است و در قرب الاله سناد بسند معتبر از
 حضرت امام موسی عليه السلام روايت کرده است که مردی بخدمت آنحضرت

روایت شده است که

آمد و گفت فدای تو شوم میخواهم بسفرت بروم و میخواهم مرا استخاره تعلیم
 نماید که اگر خبر من در این سفر باشد خدا برای من مسیر گرداند و اگر برای من
 شر باشد از من بگرداند حضرت فرمود که میخواهم هر که باین سفر بروی گفت
 اری فرمود که این دعا بخوان تا برای تو خیر شود اَللّٰهُمَّ قُدِّرْ لِيْ مَا ارْتَدَتْ
وَاجْعَلْهُ خَيْرًا لِّيْ فَإِنَّكَ تَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ و رسید این طاووس را

اسم غنم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که بعد از نماز
 استخاره این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَ اَنْوَامًا تَلْجُونَ اِلَى مَطَالِمِ

النَّجْمِ لَوَقَاتِ حَرَكَاتِهِمْ وَسَكُونِهِمْ وَتَصَرُّفِهِمْ وَعَقْدِهِمْ وَحَلَمِهِ وَخَلَقْتَنِيْ اَبْنًا عَلىٰ
اِيْنِكَ مِنَ الْجِبَالِ اِيْنَهَا وَمِنْ طَلَبِ الْاَخْتِيَارَاتِ بِهَا وَاتَّقِنُ اَنَّكَ لَمْ تُطْلِعْ
اَحَدًا عَلٰى غَيْبِكَ فِى مَوَاقِعِهَا وَ لَمْ تُشْمَلْ لَهٗ السَّيْلُ اِلَى تَحْصِيْلِهَا فَاَعْمِلْهَا
وَ اَنْتَ قَادِرٌ عَلٰى نَقْلِهَا فِى مَدَارِهَا فِى مَسِيرِهَا عَنِ السُّعُوْدِ الْعَامَةِ وَ
الْخَاصَّةِ اِلَى النُّجُوسِ وَمِنْ النُّجُوسِ الشَّامِلَةِ وَ الْمُرْتَدَّةِ اِلَى السُّعُوْدِ لَوْنُكَ
تَحُوْمًا اَيْشَاءً وَ تَبَيَّنَتْ وَ عِنْدَكَ اَمُّ الْكِتَابِ وَ لَا تَهَاخُلُوْا مِنْ خَلْقِكَ وَ صَفْعَةٌ
صَنِيعِكَ

ایقن در

صنعت

وَسَّالَكَ

مِنْ صَنِيعِكَ و ما اسعدت من اعتمد على مخلوق مثله و استمد الاختيار
 لنفسه و هم اولئك و لا اشقت من اعتمد على الخالق الذى انت هو لا اله
 الا انت و حدك لا شريك لك و سألناك بما نملكه و تقدر عليه و انت به ملك
 و عنه عني و اليه غير محتاج و به غير مكترث من الخيرة الجامعة للسلامة

وَالْعَافِيَةِ وَالْغَنِيمَةِ لِعَبْدِكَ مِنْ حَدِيثِ الدُّنْيَا الَّتِي لَيْتَكَ فِيهَا ضَرْفُ سِتْرٍ لِعَافِيَتِهِ وَمِنْ
خَيْرَاتِ الْآخِرَةِ الَّتِي عَلَيْكَ فِيهَا مَعْوَلُهُ وَأَنَا هُوَ عَبْدُكَ اللَّهُمَّ فَقُولْ يَا مَنْ لَا يَ
اخْتِيَارَ خَيْرَ الْأَوْقَاتِ لِحُرَّتِي وَسُكُونِي وَتَقْضِي وَابْتِغَايَ وَبُشْرِي وَحُلُولِي وَعَقْدِي
وَحَلِّي وَاسْتِدْرَاجِي وَتَوْفِيقِي عَزْمِي وَسِتْرِي فِي رَأْيِي وَاقْضِ لِي فِي قَوْلِي صَوْتِي

لَا يَتَأَخَّرُ وَلَا يَتَقَدَّمُ وَقْتُهُ عَنِّي وَأَبْرَأُ مِنْ قُدْرَتِكَ كُلِّ غَيْبٍ يَعْرِضُ لِحَاجَتِي حَتَّى
مِنْ قَضَائِكَ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَيُبَاعِدُهُ مِنِّي وَيُبَاعِدُنِي مِنْهُ فِي دِينِي

وَنَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَخْوَانِي وَأَعِزَّنِي بِهِ مِنَ الْأَوْلَادِ وَالْأَمْوَالِ وَالْبَهَائِمِ
وَالْأَعْرَاضِ وَمَا أَحْضَرُهُ وَمَا أَغْيَبَ عَنْهُ وَمَا اسْتَضْجَعَهُ وَمَا أَخْلَفَهُ وَحَقَّقَنِي

مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِعِيَاذِكَ مِنَ الْأَفَاتِ وَالصَّامَاتِ وَالْبَلِيَّاتِ وَمِنْ التَّعْيِيرِ
وَالشَّدِيدِ وَالنِّفْمَاتِ وَالْمَثَلَاتِ وَمِنْ كُلِّتِكَ الْحَالِقَةِ وَمِنْ جَمِيعِ الْخُلُوقِ

وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ وَمِنْ الْخَطَأِ
وَالزَّلَالِ فِي قَوْلِي وَفِعْلِي وَمَلِكِي الصَّوَابِ فِيهَا بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ يَا اللَّهُ الْعَلِيِّ

الْعَظِيمِ بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ يَا اللَّهُ الْحَكِيمَ الْكَرِيمَ بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ يَا اللَّهُ الْعَزِيزَ
الْعَظِيمَ بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ يَا اللَّهُ جَزْزِي وَعَسْكَرِي بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ يَا اللَّهُ

يَا اللَّهُ سُلْطَانِي وَمَقْدُرِي بِالْأَحْوَالِ وَالْأَقْوَةِ يَا اللَّهُ عَزْمِي وَمَنْعِي
اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَالِمُ بِجَوَائِلِ فِكْرِي وَجَوَائِزِ صَدْرِي وَمَا يَتَخَجَّجُ فِي الْأَقْدَامِ

الْمَخْفُوفَاتِ مَرَّةً

الْعَلِيمِ مَرَّةً

عَلَيْهِ وَالْإِحْجَامُ عَنْهُ مَكُونٌ صَمِيرٌ وَسِرٌّ وَأَنَا فِيهِ بَيْنَ خَالَيْنِ خَيْرَ أَرْجُوهُ
 أَصَابَتْنِي زُرْ وَشَرِّ أَتَقِيهِ وَسَمُّوْهُ بِحَيْطُيْ وَدِينِ أَحْوْطُهُ فَإِنْ أَصَابَنِي الْخَيْرُ الَّذِي أَنْتَ خَالِفُهَا
 لِتَقْبَلَهَا لِي لَا حَاجَةَ بَيْنَ النَّهْيِ بَلْ بِجُودٍ مِنْكَ عَلَيَّ بِهَا غَنِمْتُ وَسَلِمْتُ وَإِنْ
 أَخْطَأْتُ خَسِرْتُ وَعَطِيتُ اللَّهُمَّ فَأَمْرٌ شَدِيدٌ مِنْهُ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَطَاعَتِكَ
 وَأَسْعِدْنِي فِيهِ بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ وَأَقْضِ بِالْخَيْرِ وَالْعَافِيَةِ وَالسَّلَامَةِ الثَّانِيَةَ
 الشَّامِلَةَ الدَّائِمَةَ لِي فِيهِ حَتْمَ أَقْضَيْتِكَ وَنَافِذَ عَزَمِكَ وَمَشِيَّتِكَ وَأَنْتَ أَرْبُّ
 بِالْأَرْقَى زُرْ إِلَيْكَ مِنَ الْعِلْمِ بِالْأَوْفَقِ مِنْ مَبَادِيرِ وَعَوَاقِبِهِ وَقَوَائِحِهِ وَخَوَائِمِهِ وَمَسَائِلِهِ
 وَمَعَاطِيهِ وَمِنْ الْقُدْرَةِ عَلَيْهِ وَأَقْرَأَنَّكَ لَا عَالَمَ وَلَا قَادِرَ عَلَى سَدِّ أَرْجُوهِ
 وَأَسْتَقْنِيكَ زُرْ سِوَاكَ فَإِنَّا أَسْتَهْدِيكَ وَأَسْتَعِينُكَ وَأَسْتَقْضِيكَ وَأَسْتَكْفِيكَ وَأَدْعُوكَ
 وَأَرْجُوكَ وَمَا تَأْتِيهِ مِنْ أَسْتَهْدَاكَ وَلَا تَصِلْ مِنْ أَسْتَفْئَاكَ وَلَا دُفْعِي مِنْ أَسْتَكْفَاكَ
 خَابَ زُرْ وَلَا خَالَ مِنْ دَعَاكَ وَلَا أَخْفَى مِنْ رَجَاكَ فَكُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنُوبٍ
 وَأَمَّا لِي فِيكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَسْتَغْنِيكَ
 لِمَهْمِي هَذَا وَلِكُلِّ مَهْمٍ أَعُوذُ بِاسْمِهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَا لَكَ يَوْمَ الدِّينِ إِلَيْكَ نَعْبُدُ وَإِلَيْكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا
 الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا

الضالين قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ
الَّذِي يُوسِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ
مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ
وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا مَنَاسِكَ

وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمُ الْكِنَّةَ
أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذُكِرْتُ بِكَ فِي الْقُرْآنِ وَخَذَهُ وَلَوْ
عَلَى آذَانِهِمْ نَفُورًا أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ أَفَرَأَيْتَ مِنَ اتَّخَذَ إِلَهُهُ هُوَ
وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ عَنَابًا
فَمَنْ هُدِيَ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا يَسْتَدْرِكُونَ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ
فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدُهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمُ الْكِنَّةَ أَنْ يَفْقَهُوهُ
وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا الذِّبْرَةُ قَالَتْ
لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَعَلُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَرَادَهُمْ إِيَّا نَا وَتَمَلَّوْا حَسْبُنَا اللَّهُ
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلِبُوا ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَفَضِّلْ أَمْ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ وَاتَّبِعُوا رِضْوَانِ اللَّهِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 وَأَمَّا الْفِرْعَوْنُ فَأَنزَلْنَاهُ سُلَاطَانًا فِي الْأَرْضِ
 فَكَفَرَ فِيهَا وَأَبَىٰ وَكَانَ مَعًا كُفْرًا

وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْغَيْبِ نَبْأَ الْاِخْتِافِ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى
 الْاِخْتِافَا إِنِّي مَعَظَّمٌ آسَمِعُ وَأَرَىٰ وَأَسْتَهْضِمُ لَهُمْ هَذَا وَنَحْلُ لَهُمْ أَسْمَاءَ اللَّهِ
 الْعِظَامَ وَكَلِمَاتِ الثَّوَامِ وَقَوَاعِ سُورِ الْقُرْآنِ وَخَوَائِمِهَا وَحُكْمَاتِهَا وَقَوَارِعِهَا
 وَكُلِّ عَزُودَةٍ تَقْوُذُهَا نَبِيٌّ أَوْ صِدِّيقٌ هُمْ شَاهِدَاتُ الْوُجُوهِ وَجُوهُ الْعَدَانِ فَهَمْ
 لَا يَبْصُرُونَ وَحَسْبِيَ اللَّهُ ثِقَّةً وَعُدَّةً وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ **وَالْيَا سَيِّدِي**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بسمه تعالی درایت کرده است از حضرت امام رضا علیه السلام که روایت کرد
 از پدرش از حضرت امام جعفر صلوات الله علیه که هر که این دعا بخواند در کاری
 که اراده کند بنیاید در عاقبت آن کار مکرر آید خواه او دوست دارد و

وَدَعَا
 اللَّهُمَّ إِنِّي خَشِيتُكَ تَنْبِيلُ الرِّغَائِبِ وَ
 تَجْنِزُ الْمَوَاهِبِ وَتُطِيبُ الْمَكَايِبِ وَتَهْدِي إِلَى أَحْمَدِ
 الْعَوَاقِبِ وَتَقِي مِنْ مَخْذُومِ النَّوَائِبِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ فِيمَا عَقَدَ عَلَيْكَ
 رَأْيِي وَقَادَنِي إِلَيْهِ هَوَايَ فَلَسْتُ لَكَ يَا رَبِّ أَنْ تَسْتَهْلِكَ لِي مِنْ ذَلِكَ مَا تَقْسِرُ
 وَأَنْ تُجْعَلَ مِنْ ذَلِكَ مَا تَقْسِرُ وَأَنْ تُقْطِعَنِي يَا رَبِّ الظُّفْرَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ
 فِيهِ وَعَوْنًا بِالْإِقْلَامِ فِيمَا دَعَوْتُكَ وَأَنْ تُجْعَلَ يَا رَبِّ بَعْدَهُ قُرْبًا وَخَوْفًا
 آمِنًا وَتَحْذُورًا سَلَامًا فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَأَنْتَ

عَلَّمَ الْغُيُوبَ اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنْ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَجَلُهُ
فَسَهِّلْهُ لِي وَيَسِّرْهُ عَلَيَّ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاقْدِرْ لِي فِيهِ الْخَيْرَ إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **وَيَا سَيِّدَ رَحْمَةٍ رَوَاتُكَ**
است از محمد بن مظفر که آخر فرمائی که از حضرت صاحب الامر
صلوات الله علیه بیرون آمد این دعا یا استغاثه بود که باید آن عمل
کنند و در نمازهای حاجت نیز میتوان خواندن

دعا یا استغاثه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ فَقُلْتَ لَهَا أَتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ وَبِاسْمِكَ
الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى عَصَا مُوسَى فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
الَّذِي حَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ إِلَيْكَ حَتَّى قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى
وَهَارُونَ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبْلِي بِهَا كُلَّ جَدِيدٍ
وَتُجَدِّدُ بِهَا كُلِّ بَالٍ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَيْنًا لَكَ
إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَهَيِّئْ لِي وَسَهِّلْهُ عَلَيَّ وَتَلَطَّفْ لِي فِيهِ تَهْنِئَةً وَرَاحَةً

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَإِنْ كَانَ شَرُّ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا وَأَنْ تُصَرِّفَ عَنِّي بِنَا شَيْئًا
وَكَيْفَ شِئْتَ وَتَرْضِيَنِي بِقَضَائِكَ وَتُبَارِكَ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ
تَعْجِيلَ شَيْءٍ آخِرَتَهُ وَلَا تَأْخِيرَ شَيْءٍ مُجَلَّتَهُ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ
يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ **وَشَيْخ طَرَس** **عنه** در مجلس

کرده است از امام علی بن ابی طالب که حضرت صادق علیه السلام فرمود
که پدرم صلوات الله علیه در استخاره این دعا را میخواند اللَّهُمَّ إِنَّ خَيْرَ لَكَ
تُخِيلُ الرَّاغِبَ وَتُجْزِلُ الْمَوَاضِبَ وَتُغْنِمُ الْمَطَالِبَ وَتُطَيِّبُ
الْمُكَاسِبَ وَتَهْدِي إِلَى أَحْسَنِ الْعَوَالِبِ وَتَهَيِّئْ مُحَمَّدٌ وَآلَ مُحَمَّدٍ
اللَّهُمَّ يَا مَالِكَ الْمُلُوكِ اسْتَجِبْ دُعَايَ عَزَمَ رَأْيِي عَلَيْكَ وَ
قَادِنِي هَوَايَ إِلَيْهِ فَسَهِّلْ لِي ذَلِكَ مَا تَوْعَدْتَنِي بِهِ مَا تَعْتَصِرُ
وَالْقَبِي فِي اسْتِخَارَتِي أَلْهِمَّ وَأَدْفَعْ عَنِّي كُلَّ مُلِمٍ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ
أَمْرِي غِنًا وَمُحْدُورَهُ سَلَامًا وَبَعْدَهُ قَرْنًا وَخَلْفَهُ حَضْبًا اعْطِنِي
بَارَكْ لِيُوا الطُّفْرَ فَإِذَا اسْتَحْزَنْتُكَ فِيهِ وَفَرَّ الْإِنْعَامَ فَإِذَا دَعَوْتُكَ
لَهُ وَمَنْعَ عَلَيَّ بِالْإِفْضَالِ فَإِذَا رَجَوْتُكَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَ
تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ **وَشَيْخ طَرَس** **عنه**

یا مولای

در کتاب بلد الامین از حضرت امام رضا صلوات الله علیه زجله ادر
وسایل این دعا را برای استخاره روایت کرده است اللهم ارح
خیر تک فیما استخیرک فیه بنیل الرغائب و تجزّل المواهب
و تغنم المطالب و تطیب المطاسب و تهدي الی ارجل المناصب
و تسوق الی اهدى العواقب و تقی مخوف النوايب اللهم انی
استخیرک فیما عزم رأی علیّ و قد اذنی عظمی علیّ فیه فسره
اللهم منه ما توعد و یسر منه ما تعسر و اوفی فی المہتم و
ادفع عني کل مالم و اجعل رب عواقب غنا و خوفی سلیما
و بعد قرّبا و جذبرا حصنا و ارسلا اللهم اجابنی و اخرج
طلبی و اقرض حاجتی و اقطع عوائقها و امنع بوائقها و
اعطني اللهم لواء الظفر بالخیرة فیما استخیرتک و وفور
الغنم فیما ادعوتک و عوائد الافضال فیما رجوتک و اقرن
اللهم بالتجاح و حطه بالصلاح و اربی اشباب الخیرة و اضح
و اعلام غنمها الارحمة و اشد حناق نعیرها و انغش صریع
تیسرها و یترک اللهم ملتبها و اطلو محبسها و ملین اسرها کلها

مخوفه

حَتَّى تَكُونَ خَيْرَ مَقْبَلَةٍ بِالْغَنَمِ مِنْ بَيْتَةٍ لِلْفَرَمِ عَاجِلَةِ النُّفْعِ بَاقِيَةِ
الضُّعِفِ إِنَّكَ وَإِيَّيَ الْمَزِيدِ مُتَبَدِّلٌ بِالْجُودِ ~~وَبِهِ رَحْمَةُ اللَّهِ~~

وَبِهِ رَحْمَةُ اللَّهِ بِأَوَّلِهِ وَآخِرِهِ وَكَوْنِهِ كَمَا أَنَّ رَأْسَهُ أَرَادَهُ أَمْرِي دَاشْتِ بَاقِيَةِ

دَوْرُكَتِ نَزَمِ ~~وَدَرْجِ~~ رَفِی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و آیت

کرده است که هر کس طلب خیر از خدا کند باید که عددش طاق باشد **و ایضا** از

حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر کس در هر گاه اراده استخاره بکند

و ضومب بخت و دور کف ناز میگرد و مشغول استخاره میسر و اگر در ناسی

استخاره کسر با او سخن میگوید بجان او سه در میگوید و سخن با کسر میگوید تا فارغ

و ایضا از آن حضرت روایت کرده است که در استخاره این دعا بخواند **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ**

بِرَحْمَتِكَ وَاسْتَقْدِرُكَ تَحْفِيزُكَ عَلَيْكَ لِأَنَّكَ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَ الشَّاهِدُ

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ فَاسْتَلِمْ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى

إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ عَسِيدٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا الْآخِرُ الَّذِي

أُرِيدُهُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَيَسِّرْهُ لِي وَإِنْ كَانَ غَيْرَ

ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ **و ایضا** هر دو از آن حضرت روایت کرده اند

که فرمود که بعضی از یاران من در استخاره این دعا میخوانند **اللَّهُمَّ تِلْكَ**

أَحْمَدُ وَبَدْرُكَ خَيْرٌ كُلُّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ وَاسْتَقْدِرُكَ

خَيْرٌ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ لَئِنْ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَتَعْلَمُ وَأَنْتَ
عَلَّامُ الْغُيُوبِ اَللّهُمَّ فَاِنْ كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ أَقْرُبَ مِنْ طَاعَتِكَ وَأَبْعَدَ
مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَأَرْضَى لِنَفْسِكَ وَأَقْضِيَ لِحَقِّكَ فَيَسِّرْهُ لِي فَيَسِّرْهُ لِي
لَهُ وَمَا كَانَ مِنْ غَيْرِ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ فَإِنَّكَ
لَطِيفٌ لَدُنْكَ وَالْقَادِرُ عَلَيْكَ **و در این سنه** معتبر روایت کرده است
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هرگاه امر عظیم را اراده کنی صد مرتبه
طلب خیر خود از حق تعالی بگو و اگر چه غنم خریدن یا مانند آن باشد صد مرتبه
طلب خیر بگویم اَللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وَالْإِشَادَةُ
إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ الْأَمْرَ الَّذِي أَرَدْتُ خَيْرٌ لِي مِنْهُ فَيَسِّرْهُ لِي وَبَيِّسِّرْهُ وَ
إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي
إِلَى مَا هُوَ خَيْرٌ لِي وَاصْرِفْنِي فِي ذَلِكَ بِقَضَائِكَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا
أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَقْضِي وَلَا أَقْضِي أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
مؤلف گوید که ظاهرش این است که پیش از این دعا صد مرتبه یا
سه مرتبه استغفر الله بر صحت بگوید و بعد از آن این دعا را بخواند
و احتمال دارد که همین دعا را مکرر بخواند **و این سنه** معتبر دیگر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که میگوید در دعای استجاره استغفر الله
وَأَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُكَلِّمُكَ عَلَى شَرِّ وَأَلْحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اَللّهُمَّ اَرْدَدْتُ

إعالم

ضایع کنند بر این سر را فاش میکردم و بهیچ کس میگفتم که اینها را
که غیر کسی که محل اعتماد باشد بداند بداند که در شب معراج چون
باستان هفتم رسیدم نظر کردم بسوی فرجه از عرش الهی که نور از آن میجوید
مانند دیکمی که در جوش باشد پس چون خواستم برگردم مرا نزد آن فرجه نشانیدند
و ندانم رسید که ای کجاست پروردگار تو را سلام میرساند و میگوید که تو
گرامی ترین خلق نزد او و نزد او علی هست که از جمیع پیغمبران و ائمه الهی
پنهان داشته است بغیر تو و هر که را پیوسته است تو از او است تو کسی که او
پیوسته است بعد از خود و چون این دعاها را بخواند کنه ها را کند و این
بر طرف شود و بعد از آن از کنه ها نترسند و باین سبب امر میکنم تو را
بکنان آن تا آنکه عمل کنند کاران الکفایان نکنند و دست از ساری طاعت
بردارند پس در ضمن دعاها فرمود که یا محمد هر که او را دو امر پیش آید
و خواهد که من از برای او اختیار کنم برای او هر یک که نزد من شنیده
تر است پس وقت که اراده آن امر میکنم این دعا را بخواند اَللّهُمَّ اخْتَرْ
لِي بِعَمَلِي وَوَقْفَتِي بِرِضَاكَ وَحُبِّكَ اَللّهُمَّ اخْتَرْ لِي بِعَدَدِكَ
وَحُبِّتِي بِعَزَّتِكَ مَقَّتِكَ وَسَخَطِكَ اَللّهُمَّ اخْتَرْ لِي فِيمَا اُرِيدُ
مِنْ هَذَيْنِ الْاَحْرَيْنِ وَنَامِ مَعْنَى **آن دو امر را** اسْتَرْهَا لِي وَاجْتَرَا
اِلَيْكَ وَاقْرَبْهَا مِنْكَ وَارْضَاهَا لَكَ اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ

الَّتِي رَوَيْتَ بِهَا عِلْمَ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ فَإِنَّكَ عَالِمٌ
 بِهَوَايَ وَسِرِّيَّاتِي وَعَلَانِيَتِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْتَفْعِ
 بِمَا صَدَّقْتَنِي بِهِ مَا تَرَاهُ لَكَ رِضًا وَبِي صَلَاحًا فِيمَا اسْتَحْزَنْتَكَ فِيهِ
 حَتَّى تَكْرِزَ مِنِّي مِنْ ذَلِكَ أَمْرًا أَرْضَى فِيهِ بِحُكْمِكَ وَأَتَكَلَّفُ فِيهِ عَلَى قَضَائِكَ
 وَأَكْتَفِي فِيهِ بِقُدْرَتِكَ وَلَا تَقْلِبْنِي وَهَوَايَ لِهَوَاكَ مُخَالِفًا وَلَا مَا
 أُرِيدُ لِمَا تُرِيدُ مُجَانِبًا اِغْلِبْ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي تَقْضِي بِهَا مَا أَحْبَبْتَ
 عَلَيَّ مِنْ أَحْبَبْتَ بِهَوَاكَ هَوَايَ وَيَسِّرْ لِي لِلْيُسْرَى الَّتِي تَرْضَاهَا
 عَنْ صَاحِبِهَا وَلَا تَخْذُلْنِي بَعْدَ تَقْضِي إِلَيْكَ أَمْرِي بِرَحْمَتِكَ الَّتِي
 وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ اَللّهُمَّ أَوْقِعْ خَيْرَ نِكَاحٍ فِي قَلْبِي وَأَتَمِّمْ قَلْبِي لِلزَّوْجَةِ
 يَا كَرِيمُ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بی

برای او منافع او را در دنیا و آخرت **رسید** بسند موثق از زراره روایت
 کرده است که گفت بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم که هرگاه اراده
 کاری داشته باشم و خواهم طلب خیر خود از پروردگار خود کنم چگونه بگویم
 حضرت فرمود که هرگاه اراده استخاره داشته باشی روز سه شنبه و چهار
 شنبه و پنجشنبه را روزه بدار پس در روز جمعه در مکان پاکیزه دو رکعت نماز

بکن

در
بی بی

بکن پس نظر کن بجانب آسمان و صد مرتبه بگو اللهم انی استسئلتک بانک
عالم الغیب و الشهادۃ الرحمن الرحیم انت عالم الغیب ان کان هذا
الاثر خفیة الی فیما احاط به علمک فیسره الی و بارک فیہ و افصح
لی بابر و ان کان ذلک شری الی فیما احاط به علمک فاصرفه
عنی یا تعلم فانک تعلم و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و تقضی و
لا اقضی و انت علام الغیوب **و ایضا** بسند معتبر از کتاب دلائل
حمیری روایت کرده است از محمد بن سهل قمی که گفت من در مکه معظمه مجاور
بودم پس رفتم بمدینه و خدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام شرف کردم
و از آنجا که داشتم که از حضرت سوال کنم از برای شرف و کرامت جامع را
که بیرونش و میسر نشد که سوال کنم تا وداع کردم و بیرون آمدم و خواستم که از
مدینه بیرون روم باز بنجا طرم رسید که عریضه خدمت حضرت بنویسم و جامع را
سوال کنم چون توددی داشتم عریضه را نوشتم و رفتم بمسجد حضرت رسول ص که
و دور گفتم تا زبانه تبارک کردم و بعد از آن صد مرتبه طلب خیر از خدا اکر ام
پس در دلم افتاد که نام مرا نفرستیم نام مرا در دیدم و از مدینه بیرون رفتم
چون روانه سلیم دیدم که خادم آنحضرت در میان قطارها میگرد و سوالی
از مکان من میکند چون بمن رسید دستمالی بمن داد که دو پارچه بسیار
خوش طراش تا زک در میان آن پیچیده بود و گفتم مولای تو این جامه را

[illegible]

و از جمله دعاها که مضارب این نوع است دعا می بیند که طاهر است و آن اینست اللهم انی استخیرک

بسر صد مرتبه بگویم استخیر الله چون چنین کردم رفتن شام بر طرف شد و
همان شب را صرف سفر حج کردم و ایضا راوی گوشت که استخیر الله را در آن وقت بخورد
عظیم صد و یک مرتبه بگوید و در امر سهل و مرتبه و این برای قدس کرده در مذهب و تکرار آن
گفته است که بهترین انواع استخاره آنست که دو رکعت نماز بخواند و در سجده آخر نماز
سایر نو افلا می کند و قنوت در رکعت دوم بخواند و در سجده آخر نماز
صد مرتبه بگوید استخیر الله پس بگوید لا اله الا الله اعظم الکبریم و ارفع الی خلد
لا اله الا الله العلی العظیم رب یحیی و امیت محمد و آل محمد صل علی
محمد و آل محمد و خولی فی الآخر الذی اردت **موفق** که بگوید من فضالت
که احادیث در باب این نوع استخاره بسیار است و چون بعضی با آنچه علقه ما
مذکور شد اختلاف بسیاری است بهین اتفاق خود و بهر یک از آنها که
ذکر کریم اگر عمل کند خوب است و اگر بعضی را بعضی وضع کند تا متر خواهد بود
مفتاح دوم در میان نوع دوم استخاره است که بعد از عمل استخاره رجوع
بقلب خود کند و آنچه در خاطرش بر جان هم رسانیده بآن عمل نماید چنانچه من
شیخ طوسی قدس الله روحه در کتاب التصادق گفته است که کسی که اراده از رخت یا خیر
کند سنت است که غسل کند و دو رکعت نماز بخواند و بعد از آن بسجده تفلت و لا اله الا الله
رود و صد مرتبه بگوید استخیر الله تعالی فی جمیع اموری کما یا حیة یا قیوم یا ذا الجلال
الی عافیه پس آنچه در دلش افتد بآن عمل کند و **کلمه و شیخ و سینه** که بگوید
و بعد از آن دعا بخواند و اگر در آن وقت دعا بخواند و اگر در آن وقت دعا بخواند

رحمة الله عليهم بسند کالصحيح روایت کرده اند که این اسباط اراده صلات
و در راه دریا و صحرا متردد بودند حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود که
برو بسی در غیر وقت نماز واجب و دو رکعت نماز کن و صد مرتبه طلب
خود از خدا بگو و آنچه در دست می افتد بآن عمل کن و بروایت حمیری صد مرتبه
علی بن ابرهیم صد و یک مرتبه استغفر الله بگوید و اگر استغفر الله بر حجته
خیرة فی عافیة بگوید بهتر است **و شیخ رحمه الله** در مجالس معتبر از حضرت
امام علی نقی علیه السلام روایت کرده است که حضرت صادق صلوات الله علیه فرمود
که هرگاه یکی از شما را حاجتی عارض شود باید که شورت بپوشد و در گار خود بکشد
گفت چگونه شورت کند فرمود که بعد از نماز فرضیه سجده رود و صد مرتبه
بگوید اللهم جزلی بس متوسل شود و صلوات فرستد بر ما و ما را شفیع گرداند
در درگاه کنه خدا پس آنچه حق تعالی بدش حیراند از بآن عمل کند و این مطلب
را اگر بنا بر بگوید نیز خوب است و اگر بگوید که اللهم انی اتوسل الیک
بنسبک بنی الرحمة محمد و اهل بیت الطاهرین و اتوجه بهم الیک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تلک منی ما هو خیر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی خیرة فی عافیة بر خشتک یا از هم الراحمین ظاهر خوب است
و در **فتح الرضا علیه السلام** مذکور است که هرگاه کاری را اراده کرد دو رکعت
نماز کن و صد مرتبه استغفر الله بگوید یا بگوید لا اله الا الله العلی
العظیم لا اله الا الله العظیم الکرم رب رب محمد و علی جزلی
فیما اردت لیل دنیا و الاخرة خیرة من عندک لک فی رضا

وَلِي فِيهِ صَلَاحٌ فِي خَيْرٍ وَغَافِيَةٍ يَا ذَا الْمِرَّةِ وَالْقَوْلِ لَيْسَ بِخَيْرٍ رَأَيْتُ رَأَى
قرار گیرد بعل آورد **سید بن طاووس** بندهای صحیح و معتبر روایت
کرده است که مردی حضرت امام محمد جواد علیه السلام را عرضید در باب روزه
ملکی نوشت در جواب نوشتند که دو رکعت نازمی آورد و بعد از آن
صد مرتبه طلب خیر خود از خدا بگویند و در انشای استخاره با کسر سخن بگویند تا صد مرتبه
تمام شود پس اگر در دست بيفتد فروختن آن ملک بفروشی و **در این باب**
از چهار روایت کرده است که حضرت رسول ص با انس گفت که هر وقت
که امری را اراده کنی هفت مرتبه طلب خیر از پروردگار خود بگویند پس آنچه
دل تو بيفتد بگویند که خیر تو در آنست **و این** در صحاح عامه از جابر بن عبد الله
انصاری روایت کرده اند که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله استخاره را
تعلیم میفرمود چنانچه سوره قرآن را تعلیم میکرد و میگفت که هر یک از شما که
بامر **الله** در سه مرتبه قصد نماید دو رکعت نازم کند در غیر وقت نازم
بگوید **اللهم انی استخیرک بعلمک و استقدرک بقدرک و استعینک**
بمن فضلك العظیم فانک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت علام
الغیوب اللهم ان کنت تعلم ان هذا الامر خیر لى فی دینی و دعالشی
و عاجل حری و آجله فاقدره لى و یسره لى ثم بارک لى فیہ اللهم و ان

كُنْتُ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ
فَاصْبِرْ فَرَضَ عَنِّي وَاصْبِرْ فَنِي عَنِّي وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ وَرَضْنِي بِهِ

و حاجت خود را نام ببرد و شیخ مفید در مقصد و علی بن بابویه در رساله
گفته اند که هرگاه امر را اراده کردی در رکعت ناز بکن و صد و یک مرتبه استغفر الله
بِرَحْمَتِهِ بگو و این دعا بخوان لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
أَعْلَمُ الْكَرِيمُ رَبِّ نَحْوِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخِزْلِي فَيَأْتِ
لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ خَيْرَةٌ مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ بِسْمِ اللَّهِ بِرَحْمَتِهِ بِسْمِ اللَّهِ بِرَحْمَتِهِ

و شیخ ع

و کلینی و سید و غیر ایشان بسند معتبر روایت کرده اند که اسحق بن عمار گفت
حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که بسیار واقع میشود که امر را اراده میکنیم و بعضی
حرام میکنند بآن و بعضی نه میکنند حضرت فرمود که هرگاه چنین باشد دو
رکعت ناز بکن و صد و یک مرتبه طلب خیر از خدا بکن پس نظر کن که کدام یک در
دل تو راجح است پس آنرا بکن که ان شاء الله خیر تو در آنست و باید که
طلب خیر را در عافیت بکنی بآنکه بگویی استغفر الله بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةٌ فِي
عَافِيَةٍ زِيرًا كَرَبًا بِاسْمِهِ خَيْرٌ آدَمِيٌّ دَر بَرِيدِي دَسْتِ او باشد یا در بودن
فرزند او یا در رفتن حال او یعنی هر چند خیر در آنها باشد اما چون اکثر خلق صبر
بر این بلاها نمیتوانند کرد و حق تعالی قادر است بر آنکه خیر را در امر تو قرار دهد که
مقرون بعافیت از این بلاها پس در دعا باید که شرط عافیت بکنی و سید

باشد

سند صحیح از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر بنده که صد مرتبه
طلب خیر از حق تعالی بکند البته آنچه خیر اوست در دینش میرافتد میگوید اللهم
غایم الغیب و الشراذم ان کان ما اردت خیرا الاخر دنیا و الآخرة
و عاجل اخری و آجله فیسره لی و افصح لی بابه و رضنی فی بقضائک
و در همین اخبار از آن حضرت علیه السلام روایت کرده است که حضرت
صادق صلوات الله علیه فرمود در استخاره که بعد از نماز فرضیه بسجده می رود
و صد مرتبه میگوید اللهم خیر لی پس توسل می شود بکمال خدا و آنکه هدایت صلوات
الله علیه و صلوات بر ایشان میفرستد و این از انفع خود میکرد اندر پیش آنچه
بعد از آن خدا او را الهام کند عمل بآن میکنند زیرا که البته از جانب حق تعالی
مستجاب می شود استخاره بکتاب مقدس الهی است با مشورت کردن با مؤمنان بدانکه
مشورت کردن با برادران مؤمن عاقل از اهم امور است و تا کینه بسیار در آیات
و اخبار در آن وارد شده است چنانچه حق تعالی برای تعلیم سایر بندگان و تالیف
قلب مؤمنان و امتحان منافقان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را
که مباحث عقل کل بود و خاطر مقدمش مبط اسرار روحی الهی و سرق انوار
الهیات نامتناهی بود خطاب نمود که و شاورهم فی الامر فاذا عزمت
فتوکل علی غیره ان الله یحب المتوکلین یعنی باصحاب مشورت کن در امور جهاد
و غیر آن که اراده بینایی پس چون عزم کنی بر آنچه ما بر زبان ایشان جاری
می سازیم و بخاطر مقدمش تومی اندازیم پس توکل کن بر خدا و کار خود را با او
بگذار و اعتقاد بر غیر او مکن بدستی که خدا دوست میدارد آنهارا که در راه امور

بر خداوند خود توکل میکنند چنانچه با وجود امر آنحضرت بشوره برای تعلیم سایر
بندگان و ممالک تطیب خاطر مؤمنان و مصالح بسیار دیگر باز امر فرمود توکل
و اعتقاد بر جناب مقدس او و تفویض امور خود بعلم کامل و لطف شامل او
چون با ارتکاب سئورت باید که اعتقاد بر آرای خلق نگردد و خبر خود را از
علام الغیوب طلب کند تا آنچه خیر اوست حق تعالی رزبان ایشان جاری
گرداند و ایضا در جای دیگر فرموده است والَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا
الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ پس مدح کرده
است جماعتی را که اجابت میکنند پروردگار خود را در هر امری از امور
دین که ایشان را بسوی آن میخواهند و نماز را برپا میدارند در اوقات
فضلت با شرایط و آداب آن و کار را بایشان مشورت است در میان
ایشان عِزٌّ مُتَدَبِّرُونَ بر آیی خود نمی باشند و در هر کار را بیکدیگر مشورت
میکند و از آنچه بایشان روزی کرده ایم از مال حلال در راه رضای
ما اتفاق میکنند و از آیی آیر گرم نهایت مبالغه در مشورت ظاهر
میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که با کسی مشورت
کند البته هدایت می یابد با آنچه خیر او در آنست و در حدیث دیگر فرمود که
يَا عَلِيُّ كَسِرَ كُلَّ طَلَبٍ خَيْرٌ خُذْهُ از خدا میکند هر در کار خود چنان نمیشود و کسی
در کارها با مردم مشوره میکند پشیمان نمیشود و از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه مرویست که نفس خود را بخطرهای اندازد کسی که متغنی

میشود بر آری خود از آری دیگران ~~و سید و پادشاه~~ و دیگران بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده اند که مشورت نمی باشد مگر با چهار حد اگر
نشی آنها رعایت کنند مستضعف و اگر نکنند ضررش بر او مشورت کننده زیاده ^{میشود}
از نفع آنست اول آنکه با کسی مشورت کنی که عاقل باشد دویم آنکه آزاد
و دین دار و صالح باشد سیم آنکه دوست و برادر مؤمن باشد چهارم
آنکه او را برستی و از خود مطلع گردانی بنحوی که چنانچه تو را از خود را میدانی
او هم بداند و اعتماد بر او داشته باشی که افشای راز تو نمیکند نزد مردم
اما اول برای آنکه اگر عاقل باشد سه رأی او بکار تومی آید و رأی احمق بکار
نمی آید و امادویم برای آنکه اگر آزاد و دین دار باشد سعی میکند که خیر تو را
بداند و بتو بگوید و اگر از خدا ترسد بر او اندازد آنکه خیر تو را از تو نهان
و اما سیم بنحوی که اگر یار و برادر با نی باشد که راز خود را با او توانی گفت و اما
چهارم برای آنکه تا اسرار تو را نداند خیر تو را نمیتواند دانست ~~و سید و پادشاه~~
که در عبارت حدیث اجمالی هست و حاصل مضمونش آنست که نزد کور و دورست
که مراد از آزاد از آدمی خوش اخلاق باشد چنانچه بسند معتبر از حسن
ابراهیم منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که عقل بد مردم مرتبه بود که
عقلهای دیگران را بآن نمیتوانست سنجید و بآن مرتبه از علم و عقل بسیار بود
که با یکی از سپاهان غلامان خود مشورت میکرد میگفتند با چنین کسی مشورت
میکند جواب میفرمود که بسا باشد که خدا خیر مرا بر زبان او جاری گرداند

پس آنچه آن سیاهان میکنند از مصالح باقی و مزارع آنحضرت بآن عمل نمود
و از حضرت صادق علیه السلام نقل است که از حضرت رسول ص بر سریدند
که حرم و دورانی چیست فرمود که مشورت کردن با صاحبان عقل
و رای نیک و متابعت ایشان کردن **در مکارم** از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که مشورت کردن
با عاقل ناصح خیر خواه موجب سیمت و مبارکی و رشد و صلاح و توفیق حق
تعالی است پس هر گاه خیر خواه دانا عاقل رای برای تو اختیار کند
ز نهار مخالفت او ممکن که باعث هلاک تو میگردد **در حدیث دیگر** فرمود که
هیچ معاونتی بهتر از مشورت کردن نیست و هیچ عقلی بهتر از تدبیر نیست
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه نقل است که مشورت کن با طاعتی
که از خدا ترسند و دوست دار برادران مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان
و پرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان نیز در ضرر باشی اگر تو را بینگی
امر کنند مخالفت کن ایشان را تا طمع نکنند در آنکه موافقت کنی ایشان را در
بدیه و **در حدیث دیگر** فرمود که من بیزارم از کسی که مسلمانی با او مشورت
کند و آنچه خیر او را در آن داند با او نگوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
مروست که هر گاه کسی را بگوید مشورت کنند و در میان ایشان کسی باشد
که ناشی محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشورت ایشان داخل باشد
البته آنچه خیر ایشان است برایشان ظاهر میشود و از حضرت صادق

علیه السلام منقولست که مشورت کن با مردان عاقل برهیز کار زیرا که نمیکنند
تو را مگر بنیکی و زندها که مخالفت ایشان مکن که مخالفت دانای برهیز کار
باعث فساد دین و دنیا است و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که اگر خواهی نعمت الهی را برای تو مستقیم باشد و مروت و حروری تو کامل و تمام
باشد و زندگانی تو نیکو باشد پس در امور خود با برده و با مردم دو مشورت
دنی و دینی
مکن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که مشورت مکن با صبا
و ترسان که راه بدر شد را بر تو نیک میکنند و بسبب جهلی که دارد راه گشاد را
بتو نمی ناید و مشورت مکن با بخیل که مانع میشود تو را از رسیدن به نهایت
مقصود خود و مشورت مکن با کرم که حرص دنیا داشته باشد زیرا که زینت
میدهد برای تو بدترین را و بهار او بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که برادرش با او مشورت کند و آنچه محض خیر او را در آن دانند نگوید
حق تعالی عقل و رأیش را از او سلب کند و در کتاب **اصول** آمده است
البند های معتبر از حضرت صادق صلوات الله علیه منقولست که هرگاه
یکی از شما کاری را اراده کند با کسی مشورت نکند تا آنکه پیش از آن با
خداوند خود مشورت کند راوی گوشت چگونه باشد مشورت کند فرمود که
اول از حق تعالی طلب خیر خود بکن بعد از آن با مؤمنان مشورت کند
تا خدا آنچه خیر او در آنست بر زبان ایشان جاری گرداند و در **اصول** از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه امری را اراده کنی پس

با کبر مشورت مکن تا با خدا مشورت کنی و رسیدند که چگونه با برادر کار خود
مشورت کند فرمود که صد مرتبه بگوید استخیر الله پس با مردم مشورت کند
تا خدا چیز خیر را بر زبان هر که خواهد جاری کند و بسم الله معتبر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که چون احدی از شما یعنی شیعیان
اراده کند که چیزی بخرد یا بفروشد یا داخل امری شود پس اولی
خود را از خدا عز و جل سوال کند بآنکه بگوید اللهم انی اريد امرًا
فان کان خیر الی فی دینی و دنیای و آخرتی و عاجل امری و آجل
فیسره الی و ان کان شرًا لی فی دینی و دنیای فاصرفه عني
رب اعزّم لی علی رشدی و ان کرهتہ و آتہ و نفی سباده
نفر از مؤمنان مشورت کند در آن امر که اراده کرده است و اگر ده
کسی نیابد یا پنج نفر مشورت کند با هر یک دو بار و اگر نیابد مگر دو نفر
از مؤمنان با هر یک پنج مرتبه مشورت کند و اگر نیابد مگر یک نفر یا دو
ده نوبت مشورت کند و الف بگوید که اگر صد مرتبه استخیر الله
را با این حدیث ضم کند انتم و اکمل خواهد بود ان شاء الله تعالی
سفاح چهارم در بیان آیه تبارک و تعالی است کلینی رحمه الله از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است که تفأل مکن بقرآن سبحان ما ربه

۳۰
امه علیهم این حدیث را تا اول سبک زدند که مراد نهی از جهل حال نشود از قرآن است
که احوال آن بنده را از آیات مناسبه استنباط کنند چنانچه بعضی از جهل
این را وسیله روز از خود کرده باین نحو مردم را فریب میدهند و بنا بر طریقه غیر
میرسد که ممکنست که مراد نهی از تغافل و نظیری باشد که اکثر خلق از روی
و نشید بعضی امور میکنند و بعضی از خود مبارک و بعضی را شوم میکنند مانند
صدای کلاغ و جغد و دیدن بعضی از حیوانات و غیر آن در افتتاح
سفر و غیر آن بعضی از نشیدن بعضی از آیات که به فال نیک و فال بد تعبیر
و شاید یکی گشتن این باشد که باعث کم اعتقادی مردم بقرآن کریم
نگردد اگر موافق نیفتد و آنگاه بقرآن عیب بکنند بن طریق موعظه و در بعضی
از کتب مذکور است اول آنکه بعد از طلب خبر از جناب مقدس ربانی
مصحف را بکشاید و آیه اول صفحه دست راست را میگیرد و ملاحظه نماید
آیه رحمت یا امر بخیری باشد خوبست و اگر آیه غضب یا نهی از سئوی یا امر
سئوی یا عقوبت باشد بدست و اگر ذو جهتین باشد یا حشمت باشد
میانم است چنانچه شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب صاحب کتاب الغایات
و سیه ابن طاووس رضایه عنهم بنده معتبره لایست کرد آنکه کسی بن علیهم قلی کلمات
صادق علیه السلام عرض کرد که من اراده میکنم کاری را و طلب خبر از حق تعالی میکنم

و رأیم بر یکطرف قرار نیکید حضرت فرمود که نظر کن در هنگامی که بنماز می
 زبیر که دورترین احوال سلطان از آدمی و حالش است که بنماز می
 پس پس که هر چند در دلت حیرانته و خدنگ آن و بکشت مصحف پس
 نظر کن بسوی اول چیزی که می بینی در مصحف پس آن عمل کن ان شاء الله ظاهر
 آنست که بکشت احراد آن باشد که یا بکشت او مراد از اول چیزی که می بینی اول
 صفحه باشد زیرا که هر غالب آنست که اول نظر بر آن بر افتد و بنویسد این
 معنی است آنچه روایت کرده است این ادریس رحمه الله در کتاب سوار
 از شخص از اصحاب که گفت در خدمت حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه
 بودم و عادت آنحضرت این بود که چون نماز صبح میکرد با کسری سخن میگفت تا
 آفتاب طلوع میکرد و روزی که زید فرزند آنحضرت متولد شد بعد از نماز
 صبح آنحضرت را بشارت ولادت او دادند پس رو باصحاب خود کرد
 و گفت چنانام کنم این فرزند را هر یکی از حاضران نامی گفت حضرت مصحف
 طلبید و در دامن خود گذاشت و شد در اول صفحه این آیه بود و فضل الله
 علی القاعدین آخر اعطیای پس مصحف را بر هم گذاشت و باز دیگر گفت این
 آیه در اول صفحه بود ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و أموالهم
 بأن لهم جنه یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون و وعد الله لهم جنة

و آنحضرت در دو طریق
 بجهت استخاره و تشخیص
 خیر باین فرموده باشد
 و همچنین ص

فی التوراة و الانجیل و القرآن و من اوتی بعد من الله فاستبشروا به
 الذی یبغضکم و ذلک هو القور العظیم پس حضرت دوبار فرمود که واسه که
 زید است و او را زید نام کرد **مؤلف گوید** که چون حضرت میدانستند که یکی
 از فرزندان او که زید می زید خواهد بود در جهاد مخالفان شهید خواهد شد
 و در این دو آیه که در استخاره ظاهر شده است راه بهتدات او بود دانستند که بواسطه
 این همان فرزند است پس او را زید می گویند و دلالت میکند بر استخاره
 باین نحو که مذکور شده بلکه ابای که بجز از تقاول بقرآن نیز دارد و **ایضا** سید
رحمه الله در فتح الابرار گفته است که خطیب جعفری در دعوات
 خود ذکر کرده است که هرگاه خواهر تقال نایر بکن ب خدا ایستاده
 سوره قل هو الله احد بخوان و سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس
 بگو اللهم تقال بکن بک و توکل علیک فایمنی من کتاکم ما هو
 اعلی من سیراک المکون فی غیبک پس مصحف مجید را بکن و
 عمل کن با پنج در سطر اول صفحه دست راست ظاهر میشود بی آنکه
 اوراق و سطور را بشمار و این را از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 روایت کرده است **مؤلف گوید** که این حدیث اگر چه از طرق عامه روایت
 شده است اما مؤید استخاره صفحه اول میتواند شد **طریق دوم** استخاره
 طریق حلاله است که **مؤلف گوید** که باز با اول صفحه اولی نظر کنه دوم
 بخط شیخ جلیل شیخ محمد صاحب الکرامات و المقامات جدید شیخ

از خط جعفری و آل محمد و آن حضرت هم که او را از آن حضرت

السلام و الحمد علی شیخ بهاء الدین محمد قدس سره روحها که از خط شیخ سعید
 محمد بن مکی رفع است در حقه نقل کرده که او بسند معتبر از فضل بن عمر روایت کرده است
 که گفتم با جمعی از اصحاب در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته
 بودیم پس یکی از ایشان بخدمت آن حضرت عرض کرد که گاه هست اراده کاری
 و قصد حاجتی میکنیم پس مصحف مجید را بر میداریم و حاجت خود را بخاطر آوریم
 و قرآن را میبکشد ایم پس بآول ورق اول نظر میکنیم و بان استدل بر نیکی و بد
 حاجت خود میکنیم حضرت فرمود که سید انبیاء بخوبی باید کرد و آنست که غیبی اند
 گفته اند ای تو معلوم چگونه باید کرد فرمود که هر گاه یکی از شما را حاجتی
 و قصد آن داشته باشد تا از جعفر را بجا آورد و دعایش را بخواند
 و چون فارغ شود مصحف را بردارد و نیت کند فرج آل محمد را که ظهور
 حضرت صاحب الامر را که در این نزدیکی خواهد شد و بگوید اللهم
 اِنَّكَ اَنْتَ فِي قَضَائِكَ وَقَدْرِكَ اَنْ تَفْرِجَ عَنْ وَلِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ
 فِي خَلْقِكَ فِي عَامِنَا هَذَا اَوْ فِي شَهْرِنَا هَذَا فَاَخْرِجْ كُنَا آيَةً
 مِنْ كِتَابِكَ تَشْتَدِلُ بِهَا عَلَيَّ ذَلِكَ پس مصحف را بکشد و هفت
 ورق بگرداند و از پشت ورق هفتم ده سطر بشمارد و نظر کند سطر
 یازدهم که در آنجا امری بر او ظاهر خواهد شد در آن مطلبی که برای آن

علیه السلام

۲۱
گشود پس مصحف را بر آتش گذاشت و بار دیگر برای حاجت خود قصد میکند و مصحف
مجید را میکتاید و بهمان نحو که مذکور شد عمل میکند تا حاجت او ظاهر
شود ~~پس در هر روز~~ قدسی سره نیز همین عمل را مکرر نقل کرده و
گفته است که در کتب اصحاب مادیده ام و این احتمال استخاره غالب
هر دو دارد ~~در~~ استخاره جلاله منزه است که قرآن را یک بار در هر
دست بردارست نظر کند و عدد لفظ است هر چه باشد بشمارد و بعد آن
از طرف چپ ورق بشمارد و بعد از آن بهمان عدد از صفحه دست
چپ سطر بشمارد و آنچه از سطر آخر ظاهر شود عمل کند و اگر در مرتبه اول
استخاره لفظ جلاله در صفحه اول نباشد بار دیگر نیت کند و یک بار ~~تا~~ جلاله
ظاهر شود و این طریق را اگر چه از سید ابن طاووس نقل میکنند اما در کتاب است
و در غیر آن از کتب معتبره فقه و دعا بنظر فقیر نرسیده و لیکن بنظر یکی از فضلا
بحرین دیدم که نوشته بود که دیدم در یکی از تالیفات علمای امامیه رضوان
الله علیهم که ابو مرسله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده بود که
آنحضرت فرمود که هر گاه بر اصدی از شما کار مشک شود مصحف را بدست گیرد
و عزم کند بر عمل کردن با آنچه ظاهر شود بر او از جانب حق تعالی پس سوره حمد

[illegible]

2

وَسُورَةُ قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ وَآيَةُ وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا تَعْلَمُهَا
إِلَّا هُوَ وَتَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَقُطُّ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا أَعْلَمُ بِهَا وَ
لَا حِصْبَةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
وَسُورَةُ أَنَا أَنزَلْنَاهُ وَسُورَةُ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَسُورَةُ قُلْ عِزُّ رَبِّ
الْعَلَقِ وَسُورَةُ قُلْ عِزُّ رَبِّ النَّاسِ وَهَرِكِ الزَّانِبِينَ رَأْسَهُمْ رَسْمُهُمْ
يَسْ مَتَّحَهُمْ تُوْدِقِرَآنَ مَجِيدٍ وَكَبُودِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوْضِعُكَ الْبُكَتَ بِالْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ مِنْ فَاتِحَتِهِ إِلَى خَاتِمَتِهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَكُلُّكَ الثَّامَاتِ
يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا جَامِعَ كُلِّ قُوْتٍ يَا بَارِي النَّفُوسِ بَعْدَ
الْمَوْتِ يَا مَنْ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ وَلَا تُشَبِّهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ اسْتَلْكَ
أَنْ تَخْبِرَ لِي بِمَا أَشْكِلُ عَلَى سِرِّهِ فَإِنَّكَ عَالِمٌ بِكُلِّ مَعْلُومٍ غَيْرِ مَعْلُومٍ
مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَآلُ هُوسٍ وَتَحْسِينِ وَعَلِيٌّ بْنُ أَحْسَنِ وَمُحَمَّدٌ الْبَاقِرُ
وَجَعْفَرُ الصَّادِقُ وَمُوسَى الْكَافِي وَعَلِيٌّ الرِّضَا وَمُحَمَّدٌ الْمُجَوَّادُ وَ
عَلِيٌّ الْهَادِي وَآلُ الْعَسْكَرِيِّ وَآلُ الْخَلْفِ الْحُجَّةِ مِنْ آلِ آلِهِ عَلَيْهِ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رِسْمُ مَعْصُومٍ رَافِعٍ لِي وَجِلْدَاتِ صَفْوَةٍ رَافِعَةٍ لِي
وَبَعْدَ ذَلِكَ أَرَاتِي مَعْصُومٍ رَافِعٍ لِي وَجِلْدَاتِ صَفْوَةٍ رَافِعَةٍ لِي

مؤلف گوید که اقسام طریق دوم استخاره مصحف هیچیک مستند معقول
 خصوصاً سه قسم آخر که هیچ یک را معصومین علیهم السلام نسبت نداده اند
 و چون در بعضی از این استخارات وارد شده است که بعد از نماز حضرت
 جعفر علیه السلام بعمل آورده اند مناسبت که مختصری از این کیفیت آن مذکور شود
 بدانکه مشهورترین طریق آتش است که چهار رکعت بکشد و سلام و در رکعت
 اول بعد از فاتحه سوره اذ از زلزلت و در دوم سوره غاديات و در سیم اذا
 جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله احد و بخواند و در هر رکعت بعد از فراغ
 از قرائت پانزده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ وَكَلَامُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَ اللَّهُ أَكْبَرُ پس در رکوع و سر برداشتن از آن و در سجده اول و سر برداشتن
 و در سجده دوم و سر برداشتن در هر یک ده مرتبه این تسبیحات را بخواند
 و اگر در سجده آخر بعد از تسبیحات این دعا را بخواند بهتر است سُبْحَانَ
مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَالْأَوْثَارُ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِأَمْرِهِ وَكَرَّمَ بِرَحْمَتِهِ سُبْحَانَ
مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ
ذِي الْمَرَّةِ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ
وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطُّوْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِمُعَاذِ الْعِزِّ مِنْ عَرَضِكَ وَبِمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَ
أَسْأَلُكَ الْأَعْظَمَ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ الثَّامِنَةِ الَّتِي تَنْتَ صِدْقًا وَ

وَعَدَ لَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِسِ حَاجَتِ خُودِ رَا بَطْلِبِدِ وَاكَر
نَتَوَانِدْ كَبُودِ وَاَنْ تَقْضِي لِي حَاجَتِي وَبَعْدَ از سَلَامِ مَنُو كَبُودِ
يَا رَبِّ يَا رَبِّ بَعْدَ رَا نَكَمُ كَمُفِضِ وَنَكَمُ وَبَارِ يَا رَبَّ يَا رَبَّ
بِهَافَقْدَرِ وَبَارِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ بِهَافَقْدَرِ وَبَارِ يَا رَبَّ يَا رَبَّ
بِهَافَقْدَرِ وَبَارِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ بِهَافَقْدَرِ بِسِ هَفْتِ مَرْتَبِ
يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ بِسِ هَفْتِ مَرْتَبِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِسِ كَبُودِ
أَتْلُكُمُ إِنِّي أَقْبَحُ الْقَوْلِ مُحَمَّدٌ وَأَنْظِرُنِي بِإِثْنَاءِ عَمَلِكَ وَ
أُحَدِّثُكَ وَلَا غَايَةَ لِحَدِيثِكَ وَأُشْنِي عَلَيْكَ وَمَنْ يَلْمِ غَايَةَ
شَتَائِكَ وَأَمْدُ مُحَمَّدٍ وَأَنْتَ الْخَلِيقَتِكَ لَنْتَ مَعْرِفَةُ مُحَمَّدٍ
وَأَيَّ ذَمٍّ لَمْ تَكُنْ مُحَمَّدٌ وَحَافِظُكَ مَوْصُوفًا بِحَدِيثِكَ عَوَاذًا
عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحَالِكَ تَخْلَفُ سُلْطَانُ أَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ
فَكُنْتُ عَلَيْهِمْ عَطُوفًا بِجُودِكَ جَوَادًا بِفَضْلِكَ عَوَاذًا لِكَبْرِيَاكَ
يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَلْمَنَّاكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْكَرَامِ وَرَهَا
رَا نَدَامِ سُوْرَه كِهْ بَخَوَانْدِ خُوبِست وَايِنِ دَعَايِزِ شَرْطِ نَا زَنِسْتِ بَلَكِهْ از
مَصْلَحَاتِ نَا زَنْدِ وَايِنِ آدَابِ وَاوَدْعِيهِ رَا دَرِ رَمِيعِ اَلْ سَابِغِ ذِكْرِ
كُرْدِه اِيْمِ وَبِحَوْنِ رَاوِي آنِ اِسْتَحَارَه وَايِنِ دَعَايِزِ دُو مَحْضِلِ سِنِ عَمْرَاتِ

در
مَدْحِكَ

گفته است که یافته بخط برادر صالح پسندیده محمد بن محمد حسینی آوی خدا سعادش
 را مضاعف گرداند و مشرف گرداند خانه او را که روایت رسیده است از
 حضرت صادق صلوات الله علیه که هر که خواهد طلب خیر خود از خدا بکند پس
 سوره حمد و انا انزلناه را هر یک ده مرتبه بخواند پس سه مرتبه این دعا را
 بخواند و آن دعای سابق را ذکر کرده است پس گفته است که گفتی از سوره
 یا تسبیح بگیرد و سید گفته است که مراد آنست که قصد کند که اگر طاق باشد
 بکند و اگر حفت باشد مکن پس باز سید گفته است که بعضی از اصحاب ما
 حدیث مرسل نقل کرده است در صفت قرع تسبیح که سوره حمد را بگیرد
 و سوره انا انزلناه را یازده مرتبه بخواند پس آن دعا که گذشت بخواند
 و رفیق بپرسد و خود کردن را او نکند و رایا بر عکس عمل کند و آن پس
 دو ورقه بنویسد یکی باسم خود و دیگری باسم رفیقش و در جایی بگذارد و
 دست کند و بهر آورد اسم هر یک که بدر آید بخاطر گرفته او عمل کند
 که عبارت سید اجلای دارد فقیر از عبارت او چنین میفهمم و الله اعلم و بدانکه
 ظاهر روایات آنست که از سوره نیزه چند یادانه تسبیح چند دست کند و شش
 بر دارد و بشمارد نه بروشی که متعارفت و بعضی از مشایخ ما خوا
 اسه علیهم تسبیح منظم را در میان گفت می گرفتند و دانها که در میان
 گفت واقع میشد میگردند و ندانند که طاقبت یا حفت و این نوع نیز بار آورده

بها قیام از نور و استغفار در کمال عظمی باشد فی الله العزیز العبد الذلیل المذنب ان کان

فی الجمله انطباقی دارد اما آنچه در دست بدست از اکثر شیخ دیده شنیدیم
همان روش متعارفست که بانگشت میان تسبیح را بگیرند و اگر چه
تا انزال آن دعا را به یکی از آن عده ها که در روایات مذکور است
بخوانند و نیت کنند و تسبیح را بگیرند و دو تا دو تا بشمارند و اگر یک باشد
عمل کنند و اگر دو باشد ترک کنند ظاهر اینست و والد مرحوم فقیر از شیخ عظیم
السنن شیخ بها، الدین محمد علیها الرحمة و الرضوان نقل میفرمود که مادامست
بست از شیخ شیخ خود شنیده ایم که از حضرت صاحب الامر صلوات الله
روایت میکردند در طریق استخاره تسبیح که سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد
بفرستند و تسبیح را بگیرند و دو تا دو تا بشمارند اگر طاق میماند خوبست
و اگر حفت میماند بد است و والد میر در جمله باین روش اکثر اوقات
در اموری که در آن استعجابی بود استخاره میکردند و طریق دیگر در میان عوام
شهرت دارد که سه تا سه تا بشمارند اگر یک باشد خوبست و دو و وسط
و سه بد است و این طریق در جاهلی بنظر فقیر غریبه است **فصل**
استخاره بر قاع است **وسید** ابن طاووس و اکثر متأخرین علمای ائمه علیهم
این نوع را بهترین استخارات میدانند و در کتاب احتیاج منقولست که
حجیری علیه السلام نوشت بخدایت حضرت صاحب علیه السلام که پرسید که اگر
کسی در اموری متردد شود میان کردن و نکردن و دو انگشت بگیرد و در یکی نویسد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

لکن و بر دیگری ملکی پس هر دو را نهان کند و چندین مرتبه طلب خبر خود از حق
تعالی بکند پس یکی از آنها را بیرون آورد و بان عمل کند آیا حکم استخاره
دارد حضرت در جواب نوشتند که آنچه عالم اهل بیت علیهم السلام
در باب استخاره متر فرموده لازم کردن ورقها نوشتن است غیر ضایع
باید زد و بگوید یا علی یا محمد یا عباس یا جعفر یا محمد و اینها را در این نوع از
استخاره بجهت طریقی وارد شده اول آنست که کلینی و شیخ طوسی و سید و دیگر
مربوئین معتبر از هر دو بن خارج روایت کرده اند که حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه فرمود که هرگاه امری را اراده کنی شش رقع
کاغذ بگیر و در سه تایی آنها بنویس بسم الله الرحمن الرحيم خیرة
مین الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة و در سه رقع دیگر بنویس
بسم الله الرحمن الرحيم خیرة مین الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة
لا تفعل پس آن رقعها را در زیر مصلاي خود بگذارد و دو رکعت نماز کند
و چون فارغ شود بر سجده و صد مرتبه بگوید استخیر الله بر حقته خیرة
فی عافیة پس دست بنشیند و بگوید اللهم عزلی و اختر لی فی جمیع اموری
بی یسر مینک و عافیة پس دست بزد و رقعها را بشویش کن معبر بگوید
مخلوط گردان و یک یک از آنها را بیرون آورد و ملا خطه کن اگر سه فعل بیاید بر آید
پس بکن آن کار را که اراده کرده و اگر سه لا فعل بیاید بیرون آید پس بکن

بشرحه
کتاب
در علم
نحو

آن کار را و اگر بعضی فعل و بعضی لا تنعل بر آید یا پنج رتبه بیرون آورد اگر فعل
بیشتر است عمل کن و اگر لا تنعل بیشتر است ترک کن و احتیاج نیست بیرون
آوردن رتبه ششم **مؤلف** گوید حکم غل در این روایت وارد نشده است
و بعضی از علما در این اشعاره ذکر کرده اند باعتبار اینکه در استغاره مطلقه که
در محل خود ذکر کردیم واقع شده است و شاید بد نباشد و در و غل
در نمازهای حاجت نیز شاید میتواند باشد و اگر قصد زیارت است
علیه السلام بگوید در آن غل بکنند شاید احوط باشد و **ایضا** تعیین سوره
در این نماز وارد نشده است و بعضی سوره حشر و سوره طه را ذکر کرده
اند باعتبار آنکه در نوع دیگر اشعاره وارد شده است و شاید بد نباشد
و اگر در هر رکعت سه مرتبه قل عوانه خوانند چنانچه بعد از این مذکور شود
ایضا بدینست و ظاهر این سوره که خوانند خوب است و آنچه در روایت
واقع شده است که اگر در هر دو آید فعل و لا تنعل باید پنج تا بگوید
آوردن اشکالی دارد زیرا که بعضی از **صو**ر احتیاج نمیشود زیرا
آوردن پنج مثل آنکه اول **لا تنعل** در آید و بعد از آن **لا تنعل** یا
برعکس یا آنکه دو فعل بر آید و یک **لا تنعل** و یک فعل یا برعکس و در نسبت
که مراد آن باشد که احتیاج بیرون آوردن ششم را نمیشود که احتیاج
بجمله نیز در بعضی از شقوق نشود و احتمال دارد که در هر دو صورت پنج بیرون
آورد

پنجم

آورد عقبه الگو فائده اش بر ما معلوم نباشد اما بعید است و ایضا باید دانست که
اگر مختلف بیرون و یکی بیشتر باشد از حدیث تفاوتی در خوبی و بدی ظاهر نمی شود آید
و بعضی از علما باعتبار رعایت زود بیرون آمدن هر یک یا توالی آنها تفاوت
در مراتب خوبی و بدی قرار داده اند مثل آنکه اگر سه فعل در چهار رتبه بیرون
آید بهتر است از آنکه در پنج رتبه بیرون آید و همچنین لا تغفل در بدی و لا تدرو
افعل یا بدی بیایی و یک لا تغفل و یک افعل بهتر است از آنکه اول لا تغفل بیرون
آید و بعد از آن سه فعل و بر این قیاس سایر شقوق نیکی و بدی معلوم میشود
دویم آنست که سید رضی رحمه الله از طریق عامه از ابن مسعود روایت

کرده است که او در استخاره این دعا میخواند اللَّهُمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ
لَا أَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ بِمَلِكٍ
يَا يَكُونُ يَعْلَمُ بِمَا كَانُ اللَّهُمَّ إِنِّي عَزَمْتُ عَلَى كَذَا كَذَا فَإِنْ كَانَ
لِي فِيهِ خَيْرٌ لِّلْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا وَالْعَاجِلِ وَالْآجِلِ فَخَيْرٌ وَسَيِّئُهُ
وَوَقَفْنِي لَهُ أَوْ وَقَفْنِي لِي وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْنِي عَنْهُ كَيْفَ
شِئْتَ بِسْمِكَ مِرْفَتٌ وَصَدٌّ وَكَيْفَ شِئْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعِيزُكَ
بِرَحْمَتِكَ خَيْرٌ فِي عَافِيَةٍ بِسْمِكَ در سه رتبه میخواند خیر است بر او
العزیز الحکیم فلان بن فلان افعل علی اسمی الله و عونی و در سه رتبه میگوید

مینوشت خیره کاه من الله العزیز المجید فلان بن فلان لا تفعل و آخره
 فیما یقتضی الله و در زیر سجاده میگذاشت و چون از نماز و دعا فارغ
 میشد یک یک از آنها را بیرون می آورد و هر یک که بیشتر بیرون می آمد
 بآن عمل میکرد **تألف** گوید که بجای علی گذا و کند احصیت خود را بعزلی
 میگفت و اگر نتواند بگوید علی الامر الذی علمت و بجای فلان بن فلان
 اسم خود و پدرش را بنویسد و در هر رقعها و این روایت اگر چه از
 طریق اهل سنت است اما مؤید روایت اول است و عمل بر دوات اولی
 از طریق شیعه است اولی است و اگر این دعا را نیز بخواند بدست
سیم آنست که باز سید رحمانه از طرق مخالفان نقل کرده است از
 جابر بن عبد الله انصاری که از اکابر صحابه است گفت که حضرت رسول
 خدا صلی الله علیه و آله ما را تعلیم میکرد استخاره در امور را چنین تعلیم نمود
 ۱۰ سورهای قرآن را و میفرمود که هرگاه احدی از شما اراده کاری
 بکند دو رکعت نماز بکند غیر نمازهای واجب پس بگوید **اللهم انی استخیرک**
بعلمک و استقدرک بقدرتک و استسئلك من فضلك العظیم
فانتک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب
اللهم ان کنتم تعلم ان هذا الامر خیر لی فی دینی و دعالی

نرسد و عاجل امری

نرسد و عاجل امری

و عاقبت امری فاقیده الی و بستره الی ثم باری فی فیہ و ان كنت
تعلم ان هذا الامر شر الی فی دینی و معاشی و عاقبت امری
فاضرفر عنی و اضر فنی عنه و اقدر الی اخیر حيث كان ثم
رضی بی بر پس سید گفته است که بعضی از مشایخ ما رحمه الله گفته است که
چون این نماز را بکنند و این دعا را بخوانند شش رقعہ از کاغذ قطع کنند
و در سه تا افعّل بنویسند و در سه تا لا تفعل بنویسند و بیکدیگر مخلوط گردانند
و در میان آستین خود بگذارند پس سه تا را یکی یکی بدر آورد اگر هم افعّل
باشد آن کار را بکنند با طیب خاطر و اگر دو تا افعّل باشد و یکی لا تفعل
باکی نیست که آنرا بکنند اما بیست تراست از شوق اول و اگر هم لا تفعل
باشد ننگند و اگر دو تا لا تفعل باشد حذر کردن او الی است و اکثر حکم کار دارد
ترجمه که از تمحوی اصل حدیث ظاهر میشود که این نماز و دعا برای
مطلق طلب خیر است بدون آنکه عملی با آن باشد و آن عملی که از
بعضی مشایخ نقل کرده است جزو آن نیست و در روایت دیگر نه بیستم
پس هو بهتر آنست که بنوا اول عمل آورند و اگر خواهند این دعا را نیز بخوانند
چهارم آنست که باز سید قدسی سره در فتح الابواب گفته است که عین
رسیده است از بعضی علما در کیفیت بنماز که در سه رقعہ بنویسند اللهم
الرحمن الرحیم خیرة من اشبه العنبر الخلیق افعّل و در سه رقعہ دیگر بنویسند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَبِيبَةُ مِنْ أَمْرِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لَا تَفْعَلْ وَرَفْعُهَا رَازِرِي
 سجاده بگذارد و در رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سوره حمد فاتحه الكتاب
 سه مرتبه سوره قل هو الله بخوان پس سلام بگو و بگو اللهم اني استخیرک
 بعملک تا آخر دعا که مذکور شد پس سجده برو و صد مرتبه بگو استخیر الله
 العظیم پس سوار سجده بردارد و پنج رقعته را بیرون آورد اگر افعل سه تا
 باشد بکند که صلاح تو در آنست و اگر لا تفعل سه تا باشد مکن که ضرر تو
 در آنست اینست اما سه رقعته است که باز رسید رضی الله عنه از شیخ ابو
 الفتح کراچکی رحمه الله علیه نقل کرده است و او بسند خود از هرون بن حاد
 روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه امری را
 اراده کنی شش رقعته بگیر و بر سه رقعته بنویس بسم الله الرحمن الرحیم حَبِيبَةُ مِنْ
 أَمْرِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ و بروایت دیگر العلی الکرم لعلان بن فلان افعل کن یا انشاء
 و نام خود را در او در خود را و آن کاری که میخواهی مکن بنویس و در سه رقعته بنویس
 بسم الله الرحمن الرحیم حَبِيبَةُ مِنْ أَمْرِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لعلان بن فلان لا تفعل کن یا انشاء
 و چهار رکعت نماز بکند و در هر رکعت بجا سه مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه بواه
 انا انزلناه فی لیلۃ القدر و بگو انی بعد از سوره حمد و رقعته را در زیر سجاده
 میگذارد پس این دعا را بخوان بِقَدْرَتِكَ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَتَقْدِيرُكَ لَا
 أَقْدَارَ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ بِكَ فَلَا شَيْءَ أَعْظَمُ مِنْكَ صَلِّ
 عَلَى آدَمَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّينَ الطَّاهِرِينَ وَتَنْ

سوره

این است که در دست آنکه در این کتاب
 آمده است که در این کتاب
 آمده است که در این کتاب
 آمده است که در این کتاب

بینتم من غنی و صدیق و شهید و عبید صالح و ولی تخلص و تخلص
 اجتمع و ان كان ما عرفت من التخلول في سفرى الى بلد
 كذا وكذا خيرة لي في البدو و العاقبة و رزق تيسر لي منه فسرته
 و لا تخشيه و حرز لي فيه و ان كان غيره فاضرفه عني و بدلي منه
 بما هو خيره منه برحمتك يا ارحم الراحمين پس هفتاد مرتبه ميگويد
 خيرة عين الله العلي الكريم پس سجده برود و روبرو خاک بکشد و حاجت
 خود را از خدا بطلد و در روايت ديگر وارد شده است که بعد از آن رغبها
 را بپروان آورد بخوي که در روايت اول نگويد **خيرة** که اين دعا
 در خصوص اراده سفر است و اگر اراده امر ديگر داشته باشد بايد که بجاي
 من التخلول في سفرى الى بلد كذا وكذا آن حاجت را ذكر كند و اگر اراده
 سفر باشد بجاي الى بلد كذا وكذا آن سفر و آن شري را كه اراده دارد ذكر
 كند و بر هر تقدير عمل بر روايت اول بهتر است و اگر خواهد اين دعا را نيز اضاف
 كند كه بعد از آنكه سيد ابن طاووس روضه عنه چون اين استخاره را بهترين استخارات
 ميدانند و مدارش بر عمل بر اين استخاره بوده است خدا مرغب از تجربه اين
 استخاره نقل كرده است **اول** آنكه حضرت از باب مناصب نويسر مرطلبه
 و من در جانب غربي بغداد بودم و بيت و دوروز در آنجا ماندم و هر روز استخاره
 كردم كه اوراق ملاقات كنم و هم استخاره ها ياست لا تفعل متوالى مد ياد چهار
 رفته لا تفعل آمد و ظاهر شد كه خير من در آنجا بوده است و حين اتفاقى نيايسته
 نه يرون اوم

مگر از جانب خداوندی که عالم انقیاد است **دویم** آنکه در امامی که در دار السلام
بغداد افتاد است دهم وارد شهر حمله نمودم و بمحض از آقا رب من تکلیف نمودم
که بدین یکی از حکام حله بروم و چنان اتفاق افتاد که یکماه در حله ماندم
و هر روز که اراده ملاقات او میکردم در اوّل آن روز و آخر آن روز بخانه
میکردم برای دیدن او و در همه استخارات سه لا تغفل مرا آمد تا آنکه بخانه
استخاره در عرض آن مدت کردم و هیچ سه لا تغفل بیرون آمد و معلوم شد
که خبر من در آن بوده و عقل باور میکند اینرا که بنجاه استخاره کسیر برای هر
یک طلب کند و بر سبیل اتفاق بدون اراده تا در علی الاطلاق هم بد
بیاید **سوم** آنکه تا حالت تحریر این رساله بنجاه و سه سال از عمر من گذشته
است و تا حقیقت استخاره بر من ظاهر شده است پیوسته در امور خود
استخاره کرده ام و در همه آنها خبر خود را در آن یافته ام که استخاره مرا بآن
دلالت کرده است و همیشه سعادت دنیا و عقبای خود را در آن یافته ام
نویس که یک تغییر نیز در انواع استخارات تجربه ای بسیار کرده ام و از هر
برادران و صلحای عزیزان و آشنایان و از خود امور غریبه در این باب
شنیده ام خصوصاً این استخاره و استخاره بصفت محمد و اسم الحنفی **مستحق**
تعمیم در بیان استخاره بر قاع است بر خلاف طرق مشهور و آن
چند قسم است **اول** تنج طبری رحمه الله علیه در مکارم الاخلاق از
عبد الرحمن بن حنیبل روایت کرده است که در سالی رفتم بکعبه معظمه

و با خود متاعی برده بودیم و آن متاع در آن سال کساد بود و سر بهمن رسید که نزد
بعضی از اصحاب طاقتند که متاع را بصر بغیرست و بگویند بر مگردان و بعضی گفته
که همین بغیرست پس رفتیم که دست حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بعد از
آنکه از من بکبر حاجت کرده بودیم و احوال خود را عرض کردم و پرسیدیم
که شاید سیزده ماهی حضرت فرمود که فرعه بن میان مصر و بین و تنول
کن امر خود را بجزا داد اسم هر شهر که بیرون آید متاع خود را آنجا بغیرست
گفتم فدای تو مشوم چگونه فرعه بن نم فرمود که در کفره بن نویس بنویسم
الرحمن الرحیم اللهم انت الله لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة انت
الغالب و انا المتعلم فانظر لی فی آتی الاخرین خیر لی حتی اتوکل
علیک فیہ و اعمل بر پس بنویس مصر ان شاء الله پس رفته دیگر
دعا را بنویس پس بنویس الیمن ان شاء الله پس رفته سیم باز همان دعا
را بنویس و بعد از آن بنویس محبس المساجد و لا یغوث الی بلد منها
یعنی حبس کهنه متاع را و بهیچیک از آن دو شهر نفزستم پس رفته را جمع کن
و یکی از برادران مؤمن خود بده که در جایی پنهان کند از تو پس دست خود را
در آنجا داخل کن و هر یک از آن رتبه که بدست می آید بیرون بیاور و خود را
توکل کن و آنچه در آن رتبه هست عمل کن که ان شاء الله خیر تو در آنست
و سید خیر این عمل را بسند حسن معتبر از عبد الرحمن روایت کرده است

بنویسم
ان شاء الله

فان عمل کرد

مترجم گوید که این عمل خوب است و اعتبار رسیده اش کمتر از ذرات ارقاع مهر است
و میتواند بود که عموماً احادیث قرعه شامل این بوده باشد زیرا که
احادیث بسیار وارد شده است که در هر امر مشکلی قرعه باید انداخت
و وارد شده است که هر قوم که امر خود را بخدا تفویض کند البته بر حق
بیرون بر آید مخصوصاً در امری که راهب و در آن مختلف شده باشد **دویم**
سید رضا رحمه الله از حضرت باقر یا صادق صلوات الله علیهما روایت
کرده است که کسی که خواهد استخاره بمسأله بکند بقرعه در سه رقع
این دعا را بنویسد **اللهم فاطر السموات والأرض عالم الغيب**
الشهادة الرحمن الرحيم انت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه يختلفون
استسئلت بحق محمد وآل محمد ان تصلي على محمد وآل محمد وان تخرج
من كل شيء قد بركت ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله صلى الله
عليه وآله **صلى الله عليه وآله** **صلى الله عليه وآله** **صلى الله عليه وآله**
و اگر نه یکی را کردن و یکی را نکردن بنویسد و در سیم بنویسد **عقلی است**
کنه و یکی را بیرون آورد و یکی از آن دور رقع بیرون آید بآن عمل کند و
اگر عقل بیرون آید آنرا بنویسد و دیگری را بیرون آورد و بآن عمل
کند **مقتضی هشتم** در بیان استخاره ببنایق است **سید رضا رحمه الله**

در فتح الابواب و این تعلیم **احمد** در مجموع الدعوات روایت کرده اند
محمد بن محمد بن عمر که گفت حضرت جعفر از دوستان ما اراده کرد که از برای تجارت بیرون
رود پس گفت بیرون غیر روم تا بروم بخدمت حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه و بر او سلام کنم و در کار خود از او مشورت کنم و استماع
دعا از آن حضرت بکنم پس بخدمت آن جناب رفت و عرض کرد که من را اراده ام
که برای تجارت بیرون بروم و سوگند یاد کرده ام که بیرون نروم تا بخدمت شما
برسم و با شما مشورت کنم و طلب دعا از خدمت شما بکنم حضرت برای او دعا
کردند و فرمودند که بر تو باد بر است گویی و عیب متاع خود را در تجارت نهان
مکن و کسی را که وعده و کسی را که امیدوار احسان خود کرده باشی مغفون مگردان
که آن در بدی مانند سود گرفتن است و از برای مردم میبندد مگر چیزی را
که برای خود میبندد و حق بدو و حق بگیر و نهش و اندک خاک میانش از
کمی روزی بدستی که تاجر راست گو باشد که نیکو کار گرامی نزدی و در کار
در قیامت محشور میشود و اجتناب کن از سوگند یاد کردن در خرید و
فروش زیرا که سوگند اروع صاحبش را با تش جهنم میرد و هر تاجر بدکار
و فاجر است مگر آنکه زیاد از حق خود بگیرد و حق مردم را تمام بدهد و هرگاه
عزم کنی بر سفری یا حاجت ضروری که اقامت بشان آن داشته باشی دعا بسیار
بکن و آستخاره بکن بدین که خبر داد مرا پدرم از پدرش از جدش که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله آستخاره را با صاحب خود تعلیم میکرد چنانچه

سوره قرآن را و ما استخاره را بجای آوریم هر وقت که اراده کنیم امری را
و رقعته چند برای استخاره بگیریم و موافق آنچه بیرون می آید عمل میکنیم خواه
موافق خواهش ما باشد و خواه نباشد پس آن مرد گفت ای مولای من
آن استخاره را بمن تعلیم تا که چگونه عمل آورم فرمود که چون اراده استخاره
نمایی وضوی کامل بساز یعنی با آداب و ادعیه مستحبه و در رکعت نماز کن
و در هر رکعت سوره حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام نماز
دستهای خود را بدعا بردار و بگو یا کاشف الكرب و مفرج الهم و مذهب
الغم و مبتدئ بالنعیم قبل استحقاقها یا من یخرج الخلق الیه فی حوائجهم
و میثاقهم و اموریهم و یطوّر علیهم امرت یا لدعاء و ضمنت الاجابة
اللهم فصل علی محمد و آل محمد و ابتداء بهم فی کل امری و اخرج همی
و نفسی کربی و اذهب غمی و الشف فی عن الامر الذی قد التبس
علی و حزنی فی جمیع اموری خیرة فی عافیة فانی استخیرک اللهم
بعلمک و استقدرک بقدرتک و استسئلک من فضلتک
و الی الیک فی کل اموری و ابرأ من الحول و القوة الا لک
و اتوکل علیک و انت حسبی و نعم الوکیل اللهم فافتح لی ابواب
رزقک و سهلها لی و یسر لی جمیع اموری فانک تقدر و لا اقدر
و تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب اللهم ان کنت تعلم ان
الامر الذی امرت علیه و اردته هو خیر لی فی دینی و دنیای

بیت کلون
امر ذری

وَمُعَاشِي وَمُعَادِي وَغَائِبِي فَقَدَرَهُ لِي وَمَجَلَّهُ عَلَيَّ وَسَهَّلَهُ
وَيَسَّرَهُ وَبَارِكْ لِي فِيهِ وَإِنْ كُنْتُ تَعْلَمُ أَنَّ غَيْرَ نَائِلٍ لِي فِي الْعَاجِلِ
وَالْآجِلِ بَلْ هُوَ شَرٌّ عَلَيَّ فَاصْرِفْ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْتَ شَيْئْتَ وَأَمْرِ فِي عَنَتِهِ
وَقَدَّرْ لِي إِخْبَرٌ صَحِيحٌ كَانَهُ وَإِنْ كَانَهُ وَرَضْتَنِي بِأَرْبِ بَقِيَّاتِكَ
وَبَارِكْ لِي فِي قُدْرِكَ حَتَّى لَا أَحْتَاجَ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ
مَا عَجَّلْتَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَيَرٌ سَيَّارٌ
فَرَسَتْ بِرُحْمَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبَابُكُمْ رَقْعَةً بِأَخْوَدٍ دُرِّ نِسْتِ بَاشِي هَمِّكُمْ سَتَارِ
وَبِكِ هَيْئَتٍ وَدُرِّ دُورِ رَقْعَةٍ اِيْنِ دَعَارِ بَنُو سِ الْاَلْهَمَّ فَاطِمَةُ السَّحَابَاتِ
وَاَلْاَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ اَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فَمَا كَانُوا
بِغَيْرِ تَخْلُفُونَ اَللّهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَتَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَعْصِي
وَلَا اَعْصِي وَاَنْتَ عَلَامُ الْغَيْبِ سَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرِهِ
لِي اِحْتِ السَّهْمَيْنِ اِلَيْكَ وَخَيْرُهُمَا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَغَايَتِي
اَمْرِي اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَيَرٌ وَدُرِّتِي بِي
ازد و رَقْعَةٍ اِفْعَلْ بَنُو سِ وَدُرِّتِي دِيْكَرِي لَا تَفْعَلْ وَدُرِّ رَقْعَةٍ سَلِّمْ اِيْنِ رَا
بَنُو سِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاَسْمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اسْتَعْنَتْ بِاَسْمِهِ
وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْهِ وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اَللّهُمَّ اِنِّي صَبَّحْتُ عَلَى اَسْمِهِ

وَقَدْ عَصِي وَلا اَعْصِي

نَحْيَ الَّذِي لَا يُحَوِّتُ وَاعْتَصَمَتْ بِذِي الْعِزَّةِ وَتَجَبَّرَتْ وَتَكَنَّنَتْ
 بِذِي الْحَوْلِ وَالطُّوْلِ وَاتَّكَلَتْ وَتَسَلَّمَ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَاتَّخَذَتْ
 رَبَّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَشَيْئَ
 رَفَعَهُ رَأْسَهُ بَعْدَ ارْوَجِيْرِي بِرَأْسِ مَنْوَسٍ وَهَرَسَ رَفَعَهُ لِحْمِ مَيْمَنِهِ
 بِكَيْهْنَيْتٍ وَكَيْهَوْرَتٍ وَدَرْمِيَانِ سَهْمِ بَدَقَمِ بَعْدَ ارْوَجِيْرِي بِرَأْسِ مَنْوَسٍ
 بِرِيكِيْمَيْتٍ وَكَيْوَزَنٍ وَبَدَهْ كَبْسِي كَمَا عَتَادَ بَرَاوَدَاشْتَهْ بَاشِي اَزْ بَرَادَرِ اَنْوَسِ
 وَكَبُو كَمَا خُذَارَا يَدَكُنْ وَصَلَوَاتِ بِرِيكِيْرِ اَلْ كَهْرُغَبَرَسْتَهْ وَآنْ نَبَهْ قَهَا
 دَرْمِيَانِ آسْتِيْنِ خُودِيْنِهْ اَزْ دَوْدَسْتِ مَاسْتِ خُودِرَا دَرْمِيَانِ سِيْنِ
 خُودِ دَاخِلْ كُنْ وَآنْ نَبَهْ قَهَا حَرَكْتِ دَهْدُو كِي اَزْ اَنَهَا رَا دَرِ اَوْرْدِيْدُو
 اَنَكَمِ اَنَهَا رَا نَظَرْ كُنْ وَكِي رَا بَخْشِ صَفِيْنِ كُنْ وَكِي كُنْ دَسْتِشْ بِرِيكِيْلِ اَنَهَا
 كَمَا وَاقِعْ شُودِ بِيْرُوْنِ اَوْرْدُو چُوْنِ بِيْرُوْنِ اَوْرْدُو اَزْ اَوَكِيْمِيْرِ خُودِ اَرَا
 يَا دَكُنْ وَآنْ اَنَكَمِ اَشْتِشْ رَا بَخْشِ اَنْوَانِ وَكَلْ كُنْ بَا نَجْمِ دَرِ شَيْتِ اَنْ نُوْشْتَهْ
 سَهْ هَسْتِ وَاَكْرُكْسِي كَمَا بَرَاوَا عَتَادَ دَاشْتَهْ بَا سُرْ حَاضِرِ نَبَاسْتَهْ خُودِ دَرْمِيَانِ
 مِيَانِ آسْتِيْنِ سِيْنِهْ اَزْ اَوَكِيْمِيْرِ كُورْسَهْ عَمَلِ اَوْرِيْسِ اَكْرَا نَجْمِ اَعْمَلِ
 بِرِ اَنْ نُوْشْتَهْ سَهْ هَسْتِ بِيْرُوْنِ اَيْدِ اَلْبَتَهْ اَنْ كَا رَا بَكُنْ كَمَا خِيْرَتُو دَرِ اَنْ
 اَسْتِ اَنَشَاوَا سَهْ وَاَكْرَا نَجْمِ بِرِ اَنْ لَاسْعَلِ نُوْشْتَهْ سَهْ هَسْتِ بِرِ
 اَيْدِ زَنَهَا اَوْرْدِيْدُو اَلْبَتَهْ مَخْلُفْتِ اِنْ اَهْمَارُو مَكُنْ كَمَا اَزَارِ

آزاد بخت

مكرر

میکشی و اگر رفته بیرون آید که چیزی بر پشتش نوشته نشود است بر بنویشت
کن تا وقت نماز فرضیه حاضر شود پس بر چیز و دو رکعت نماز حاکم بدو رکعت
پس نماز واجب بکن تا آن دو رکعت را بعد از نماز واجب بکن اگر نماز
صبح و عصر نباشد و بگوید اگر نماز صبح باشد باید که بعد از آن تغییب و دعا بخوانی
تا آفتاب بین شود پس بعد از آن آن دو رکعت را بجا آورد و اگر نماز
عصر باشد آن دو رکعت را پیش از نماز عصر بکن و بعد از نماز عصر آن دعاها
را بخوان و بار دیگر آن عمل را اعاده کن و اگر باز رفته مانوشته بیرون آید
باز در وقت فرضیه دیگر همان عمل را اعاده کن تا کلی از رتبهها نوشته بیرون
آید **مستخرج** که احتمال دارد که ظاهر روایت آنست که نوشتن رتبهها
و پیچیدن و در میان بند که داشتن همه بعد از نماز و خواندن دعا باشد
و بریدن رتبهها پیش باشد و احتمال دارد که تا بنده کردن قبل از نماز
باشد و در زینت که اول اولی باشد **دویم** آنست که نوشتن رتبهها
پس از نماز است و دیگر آنست که بعد از نماز از یکی از ائمه صلوات الله علیهم
روایت کرده اند که گفت از اصحاب آنحضرت پرسید که امری را میخواهم
بجای آورم و گفتم راغبیایم که با او مشورت کنم چگونه حضرت فرمود که با برادر دکار
خود مشورت کن پرسید که چگونه مشورت کنم فرمود که آن حاجت را در خاطر
خود قصد کن و دور رفته بگیر و در یکی از بنویسی **سوم** آنست که نوشتن رتبهها

بندقه از کل بکند از پس دور گفت ناز بکن و آن دو بندقه را در زیر دامن
 خود بکند و بگوید یا الله اِنّی استاورم کف امری هَذَا وَ اَنْتَ
 حَیْزُ مُسْتَشَارٍ وَ مُشِيرٍ فَاسْتَرْ عَلَیَّ بِاَفْیَةِ صَلَاحٍ وَ حَسَنِ عَاقِبَةٍ
 پس دست خود را در زیر دامن داخل کند و یکی از آن دو بندقه را بیرون
 آورد و بکشد اگر نفع باشد بکشد و اگر لا باشد مکن با خدا چنین مشورت باید
 کرد **سیم آنت که در میان فرموده که در بعضی از کتب شیعه یافتیم**
 که در دو رتبه بنویسی بسم الله الرحمن الرحیم ضربه می کشی تا آنکه بگویم بقیه
 فلان بن فلان و حاجت خود را بنویسی و در آخرش بنویسی افعل یا
 مولای و هر دیگری را در آخرش بنویسی که اتوقف یا مولای و هر یک از
 دو رتبه را در میان کلمه از کل میگذاری و بر آن میخواهی هر یک از سوره حمد و
 صافات اخذ بر بعلق سوره و الضمی را هفت مرتبه و ظرف آبی در پیش
 خود میگذاری و بندقه را در میان آب می اندازی پس هر یک که زودتر
 از دیگری بخافته شود و بر روی آب آید بآن عمل میکنی انشاء الله تعالی
چهارم آنت که باز به قدسی سره ذکر کرده است که یا مقلب
 علی بن حمیضا ط که نوشته بود که این استخاره مولای ما امیر المؤمنین علی
 بن ابی طالب صلوات الله علیه است در خاطر میگذرانی هر مطلبی که داری
 و این استخاره را بنویسی در دو رتبه و دو بندقه از کل می سازی و بر آرد

یکی را

لا تَقْلُمْ **و اگر بگویی** یا مقلب **یا مقلب**

مسیحی که با هم برابر باشند و هر رقه را در میان بند قه میگذاری و در میان
 آب حی اندازی و هر یک که بیشتر بر روی آب بر آید آن عمل میکند و البته
 مخالفت نکند **بسم الله الرحمن الرحیم** ما شاء الله کان
 اقلتم انی استخیرک خیار من فوض الیک امره واستسلم الیک
 نفسه واستسلم الیک فی امره وخلاک وجهه وتوکل علیک
 فینازل بهر اللهم حزلی ولا تحز علی وکن لی ولا تکن علی واضربی
 ولا تضرب علی واعنی ولا تعثر علی واملک لی ولا تمکن منی واهدنی الی
 اخیر ولا تضلنی وارضنی بقضائک وبارک لی فی قدرک انک
 تفعل ما تشاء وتحکم ما ترید وانت علی کل شیء قدیر اللهم ان
 کانت الخیرة فی امری هذا فی دینی ودنیای وغایبة امری فسرهم
 لی وان کان غیر ذلک فاصرفه عني یا ارحم الراحمین انک
 علی کل شیء قدیر **بسم الله الرحمن الرحیم** روایت کرده
 است از حضرت صاحب الزمان علیه صلوات الرحمن وسمی است
 باستخاره مصریه و کیفیتش آنست که در دو رقه بنویس خیرة من الله
 ودر سوره فلان بن فلانة ونام خود و مادرش را بنویس و در یکی انفعلی و
 در دیگری لا تنفعلی بنویس و در میان دو بند قه از کل بگذارد و در میان
 قه آب هر دو را بیندازد پس وضو سازد و دو رکعت نماز بکند و بعد از نماز

این دعا را بخواند اللهم انی استخیرک خیار من فوض الیک امره و
 اسلم الیک نفسه و توکل علیک فی امره و استسلم بک فیما نزل به
 من امره اللهم حزلی و لا تحز علی و اعیننی و لا تعین علی و ملکنی و
 لا تملکن منی و اهدنی للخیر و لا تضلنی و ارضنی بقضائک و بارک
 لی فی قدرک انک تفعل ما تشاء و تعطی ما ترید اللهم ان
 کانت الخیرة فی امری هذا و هو کذا و کذا و بی کذا و کذا اطلب در الخیر
 بنو حید فملکتنی منه و اقدرنی علیه و امرنی بعقله و اوضح لی طریق
 الهدایة الیه و ان کان اللهم غیر ذلک فاصرفه عنی الی الذی
 هو خیر لی منه فانک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت
 علام الغیوب یا ارحم الراحمین پس سجده رود و صد مرتبه بگوید
 استخیر الله خیرة فی غایتی پس سر بردارد و انتظار کند تا یکی از آن رقعه
 از آب بیرون آید هر یک که پیشتر بیرون آید بآن عمل کند بجز اگر فعل بیان
 آید آن کار را بکند و اگر لا تفعل بیرون آید ننگه **نفسه باز سید عالم**
 از شیخ ابو الفتح کراچی که از اکابر علمای شیعه است روایت کرده است
 که دو رقعه بنویس در یکی افعل یعنی بکن و در دیگری لا تفعل یعنی مکن و از
 + دیده خود پنهان کن در موضعی و نماز استخاره بکن و خیر خود را از عالم
 انقیات طلب کن و یکی از آنها را بیرون آور و بآن عمل کن ۵

و این نوع از استخاره نیز از استخاره های معتبر است و بطریق بسیار
 وارد شده است و بهر یک از این دو روش که عموماً تفرقه نیز شامل این
 طریق بوده باشد و بهر یک از طرق بالا که مذکور شد عمل کرده و خواست
 خصوصاً طریق اول را که بعضی از دعا های طرق دیگر را نیز با آن ضم کنند
 در بیان بعضی از امور نادره است و در آن چند فائده است **اول**
 بخط شیخ سعید شهید محرابی علیه السلام که در کتاب **الاولی** دیدیم که هرگاه
 شخص در چاره امری متحیر باشد و نداند چه باید کرد عمل کند باین خبر که در کتاب
 محرابی جویری طبری که مساست بکن بآداب الحیده دیدیم که روح بن ابراهیم
 از پدرش از حدیث روایت کرده است که فرزند آن حدیث کو صیت کرد و گفت
 هرگاه امر عظیمی را را داده یا حادثه باعث غم آلودگی را دید که با وضو
 بخوابد در فراشی و کاف ظاهری و تنها بخوابد و بپلوی زنی بخوابد و در وقت
 خوابیدن سوره و الشمس و سوره و اللیل هر یک را هفت مرتبه بخواند پس بگوید
 اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي هَذَا فَرْجًا و بخوابد پس شخص خواب او می آید
 در شب اول یا سیم یا پنجم و گمان دارم که هفتم را نیز گفت و با وضو بپوشد که فرج
 از این غم و دلگیری و الم در چه چیز است انس که راوی حدیث گفت مراد ری
 عارض شد و بعد چش را انداختیم پس این عمل را بجا آوردم و چون خواب
 رفتم دیدم دو کس نزدیک من پیدا شدند و یکی نزد سوسن نشست و دیگری
 نزد پاهای من پس یکی دیگری گفت تمام بدش را دست بالا و احساسی عرض

احدی از

بلکن پس چون دشمن موضعی از سر من رسید گفت در اینجا حجامت کن و تراش
و کوفت با چیزی بر آن مال که بحسب پس من گفت او هر دو که ضم کن با آن
انجیر و زیتون را چون بیدار شدم همان موضع را حجامت کردم و صحت یافتم
و حجامت بسیاری را تعلیم کردم و بعل آوردند و شفا یافتند **و شیخ محمد**
نیز در مکالم الاطلاق روایت کرده است که هر که را احری یا عارض شود
که موجب هم او گردد و خواهر چاره خود را در آن کار بداند باید که در
وقت خواب سوره و الشمس و سوره و الليل هر یک را هفت مرتبه بخواند
تا آنکه در خواب مردی را ببیند که چاره او را تعلیم او نماید **و شیخ محمد**
در کتاب اختصاص از حضرت امام موسی علیه السلام گفته معتبر
روایت کرده است که هر که را بسوی خدا حاجتی باشد و خواهد که مآرا در خواب
ببیند و جای خود را در آخرت بداند در سه شب با غسل بخوابد و با خدا
مناجات کند و با متوسل شود و مآرا در درگاه خدا شمع گرداند تا آنکه
مآرا در خواب ببیند و حاجت خود برسد **و شیخ محمد**
رحمه الله در کتاب مجموع الدعوات روایت کرده است که هر که خواهد
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را در خواب ببیند در شب جمع بعد از نماز
مغرب مستحول نماز کند و با کسی سخن نگوید تا نماز صبح را بجا آورد
و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سوره حمد سه مرتبه بگوید

قل هو الله احد جواد
 مرتبه سوره قل هو الله احد جواد و بعد از سلام نماز كجه رود و صلوات
 بر محمد و آل محمد هفت مرتبه بفرستد و هفت مرتبه بگويد سبحان الله
 و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و لا حول و لا قوة الا بالله
 پس سوز سجده بردارد و درست بنشيند و دستها را بلند كند و بگويد يا حي
 يا قيوم يا ذا الجلال و الاكرام يا الله الاقرب يا ذا النور
 الدنيا و الآخرة و رحيم يا رب يا رب يا رب يا رب يا رب
 يا عظيم الجلال يا عظيم الجلال يا عظيم الجلال
 يا عظيم الجلال يا بديع الكمال يا كريم الفعال يا كثير السؤال
 يا دائم الاضلال يا كبير يا متعال يا اول بلا مثال يا قيوم
 بخير زوال يا واحد بلا انتقال يا شديد الحال يا ذا
 الخلايق على كل حال اربي وجه حبيبي و حبيبك محمد صلى الله
 عليه و آله في منامي يا ذا الجلال و الاكرام پس رو بقبله بخوابد
 بر دست راست و ملحول صلوات بر محمد و آل محمد باشد تا بخوابد
 رود كه انشاء اسم آنحضرت را در خواب مي بيند **مفسر** كه در كتاب
 بحار الانوار رويت اول بطريق ديگر مسطور است از آنچه ذكر شده است

حکم و در این رساله بمناسبت مذکور شد **در باب** اخراج جناب سابقه تعلیم شد که
عمده در استخاره آنست که امر در امور دنیا و آخرت اعتماد بر عقل ناقص
خود نکنند و باید که در جمیع امور توکل بر جناب مقدس اله کنند و معترف باشند
که من بنده عاجز جاهل ضعیف و خداوند کریم رحیم عالم قادر مهربانی دارم که
اعرف بصلاح من از من و از جمیع مخلوقات و امور خود را باو گذارسته ام
و خیر خود را از او میطلبم پس توسل نماید بملطف و رحمت خداوند کریم باغسل
و نماز و دعاها که در ابواب سابقه گذشت پس شروع کند در آن کار و آنچه او
دهد بآن راضی باشد و خیر خود را در آن بداند هر چند موافق خواهش او نباشد
و بعد از آن استخاره بادل خود است چنانکه گذشت و بعد از آن مشورت کردن
با مؤمنانست و بعد از آن استخاره بر قاع و بنادق یا است یا نقائل بقرآن
مجید یا بتسبیح و ظاهرا همه خوب است اگر چه بعضی از علما صور اضربه را منع کرده اند
چنانکه سابقا مذکور شد اما ظاهرا آنست که غیر استخاره مطلقه که در باب اول گذشت
کردیم در طایب صورت دارد که تردیدی در آن نباشد نه در چهارموی که خیریت آن
ظاهرا بر آدم معلوم باشد و تردیدی در آن نداشته باشد و نه در امور مستحبه و راجحه
که خوبی آن شرعا معلوم باشد مگر آنکه تردیدی در انواع آن داشته باشد و در امور
واجبه مطلقا استخاره کردن صورت ندارد بلکه شروع نیست همچنین در احوال
استخاره جائز نیست اما استخاره مطلقه در همه امور خوبست مگر در احوال که

در آنجا مطلقاً استخار میسر و غایت دنیا و آخرت است و از آنجا که در آنجا
مسائل غریبه فرموده است که هرگاه بنده مؤمن را دوا در خاطر خطور کند
و از مصالح دنیای او که در آنها متردد باشد مانند سفر کردن و اقامت نمودن
یا نکاح کردن یا بر چیزی بدین و امثال اینها سنت است که بدون استخار متوجه
آن اعلان نشود و بعد از استخاره اگر یکی از آنها نزد او راجع گردد آن عمل کند
و اگر هیچ یک راجع نشود توکل کند بر خدا و یکی از آنها را بعمل آورد که انشاء الله
خیر او در آنست و سزاوارست استخاره در امور که حق تعالی نیز از آن کرده است
و از برای کردن فعل واجب استخاره نمی باشد و استخاره در امور مباحه
یا در میان دو امر سنت است که هر دو را با هم بعمل نتواند آورد مانند جهاد سنت و حج
سنت یا آنکه مرد باشد میان زیارت دو امام معصوم علیهم السلام یا میان مسلم
دو برادر مؤمن که هر دو را نتواند بعمل آورد و از این باب امور بعضی از علما
دغدغه کرده اند در استخاره کردن از برای دیگری زیرا که در روایاتی که
سابقاً مذکور شد در هیچیک و کالت در استخاره مذکور نبود و سید ابن
طاووس رضی الله عنه بخوبی نموده و فرموده است که داخلست در عیون
قضای حوایج مؤمنان و ایضا ممکنست که استخاره کنند اینها حاجت
خود قرار دهد و قصد کند که یا بگوید بگویم بگویند یا نه و اگر چه عیون
و کالت دور نیست که شامل استخاره باشد اما احوط آنست که صاحب

حاجت خود متوجه بخاره شود زیرا که هر که اضطراب را بشیرت توکل
او بجناب مقدس الهی بشیرت می باشد و اگر فعل غیر در این باب تأیید تمام
فعل او میبود می بایست با این احادیث بسیار که در این باب وارد شده
است در یکجمله بشیرت بخاری باین بفرمانند و ایضا با آن توجه و التفات
و محضرت که ائمه ماصلووات علیه السلام نسبت بموالی و شیعیان خود داشته
یک مرتبه برای یکی از ایشان بخاره بفرمانند و با آن کتایبها و بی کتایبها
که فدیایان و موالیان ایشان نسبت بجناب ایشان میکردند در یکجمله
منذ گور شود که یکی از ایشان این است عا از خدمت ایشان کرده باشند
و بجهت پوشیدن قیصر این رساله وافی را اینست که برادران ایمانی
بر احبب و آثار ائمه طاهرات و پیشوایان دین صلووات علیه السلام
اصبعین که در این باب وارد شده مطلع شوند و کیفیت انواع بخاره
را بدانند که بهر نحو خواهند در جواب خود با بخاره متوسل شوند
و در همه امور اعتماد بر پروردگار خود نمایند و بدانند که خداوند رحیم و رحیم
خود را بر روی بنده گان کن مکار نیست و همه را در جمیع امور پدیدارگاه خود خواند
و کنه عاصیان را مانع لطف و احسان خود نمیدانند و ملتقی از عمل گنندگان
باین رساله آنکه این مجرم عاصی را در حال صیانت و بعد از وفات بدو

خیر یاد نمایند و بر سر هر خطا که لازم غیر خصوص علیهم السلام خوانده نمایند
 و با توزع بال و تشتت احوال و وفور اشغال در چند شب از لیالی
 ماه مبارک رمضان سنة هزار و صد و چهار هجری نوشته شد
 و گفته اولاد آخر و الصلوة علی سید المرسلین محمد و عترته الطیبین
 و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین

ملحق
 بکتاب
 تاریخ
 اصفهان

لج

٥٦

٥٧

بجز این کتاب که از کتب قدیم است
منقول است که این کتاب خودی است
به مثل این کتاب از برای این کتاب